

چکیده

در دهه های اخیر ابعاد جدیدی از هوش به عنوان یکی از توانائیهای شناختی انسان شناسایی و مطرح شده است. یکی از مؤلفه های جدید هوش که توجه شایانی را به خود جلب کرده و پژوهشهای مختلفی را رقم زده است "هوش هیجانی" است که براساس سوابق موجود نخستین بار توسط داروین (۱۸۳۷) مطرح شده است. پس از بررسی های مختلف، جهت سنجش و راه اندازی این نوع هوش، بار - اون (۱۹۸۸) پرسشنامه ای ۱۱۷ ماده ای با مقیاس لیکرت تهیه کرده و این ابزار در تحقیقات مختلف مورد استفاده واقع شده است. به موازات معرفی این آزمون، مطالعات مختلف اعتباریابی این پرسشنامه در جوامع مختلف انجام شده است که شاخص ترین آن مطالعه اعتباریابی سموعی (۱۳۸۲) بوده که پس از بررسی های مختلف روان سنجی روی مواد پرسشنامه و بررسی روایی سازه آن، تعداد عبارتهای پرسشنامه به ۹۰ سؤال و تحت ۱۵ عامل تقلیل یافت. جهت بررسی ساختار عاملی پرسشنامه در جمعیت دانش آموزی دوره پیش دانشگاهی ناحیه دو یزد، فرم نود سؤالی این پرسشنامه در جمعیت ۵۰۰ نفری اجرا و مورد بررسی قرار گرفت. پس از حذف پرسشنامه های ناقص، پاسخهای توصیفی یا عزت کرانه ای، حجم نمونه مورد بررسی به ۴۷۰ نفر تقلیل یافت. با بررسی های مختلف که در فصل چهارم ارائه گردید، اهم نتایج به دست آمده به شرح زیر است:

ماتریس همبستگی عبارات و نمره کل نشان داد همبستگی پاسخ ها با هم نسبتاً پایین بوده و از این میان عبارتهای ۱، ۳، ۱۳، ۵۹، ۶۵ و ۸۸ دارای ضعیف ترین همبستگی درونی بوده است. در بررسی پایایی کل از توان ۰/۸۵ به دست آمده که ضریب بالایی می باشد. در این مرحله عبارتهای ۱، ۳، ۶۵، ۲۱، ۵۴ و ۵۸ دارای همسانی درونی کمتری با سایر سؤالات بوده و از ادامه تحلیل حذف شدند. نتایج به دست آمده از تحلیل پایایی درونی خرده مقیاسها، ضرایب به دست آمده بین مقادیر ۰/۳۷ تا ۰/۶۴ متغیر می باشد. درمقایسه با نتایج تحلیل سموعی (۱۳۸۲)، برخی عبارات از مقیاسهای حل مسأله، استقلال، خودشکوفایی، خودآگاهی هیجانی، خوشبینی، مسئولیت پذیری اجتماعی و همدلی حذف شده است. پس از این، همبستگی همه خرده مقیاسها با نمره کل پرسشنامه دارای ضریب معناداری بوده است. در مرحله پایایی اعتباریابی آزمون، پس از حذف سؤالات شماره های ۱، ۳، ۱۳، ۵۹، ۶۵، ۸۸، ۲۱، ۵۴ و ۵۸ که از مراحل قبلی

حذف شده است، جهت بررسی روایی سازه از تحلیل مؤلفه های اصلی و چرخش واریماکس استفاده شد که به دلیل همبستگی درونی ضعیف عبارتها و عدم همگرایی بین آنها جهت قرارگرفتن در عوامل مختلف، حتی پس از چرخش، برنامه SPSS از بارگذاری عبارتها تحت عوامل مختلف ناکام ماند که دلایل روشن شناختی مختلفی برای آن در فصل چهارم ارائه شده است.

فصل اول

طرح تحقیق

مقدمه

سالها تصور میشد که هوش افراد^۱، موفقیت آنان را در زندگی تعیین می کند، مدارس برای ثبت نام دانش آموزان در برنامه های مختلف و همچنین شرکتها و کارفرما پایان برای انتخاب افراد، از آزمون هوش استفاده می کردند. ولی در ده سال اخیر، محققان دریافته اند که هوش بهر، تنها شاخص موفقیت افراد نیست. اکنون هوش هیجانی^۲ است که بعنوان شاخص دیگر موفقیت افراد محسوب می شود. (سموعی، ۱۳۸۲).

هوش هیجانی، نوع دیگر باهوش بودن است و شامل درک احساسات خود، برای تصمیم گیری مناسب در زندگی است. هوش هیجانی توانایی کنترل حالت های اضطراب آور و کنترل واکنش هاست. این به معنی پر انگیزه و امیدوار بودن به کار و رسیدن به اهداف است. بطور کلی، هوش هیجانی یک مهارت اجتماعی است، و شامل همکاری با سایر مردم، کاربرد احساسات در روابط و توانایی رهبری سایر افراد می باشد. (گلמן، ۱۹۹۹).^۳

هم چنین هوش هیجانی، در موفقیت زندگی فردی و اجتماعی انسانها اهمیت دارد. موفقیت های زندگی حرفه ای ۲۰ درصد به بهره هوشی و ۸۰ درصد به هوش هیجانی بستگی دارد. (کاظمی، ۱۳۸۵).

لذا یکی از هدف های عهده هر علم اندازه گیری پدیده های مورد نظر دادن جنبه کمی به آنهاست. وقتی پدیده ای را با اعداد و ارقام نشان میدهم براحتی می توانیم آن را طبقه بندی و قوانینی درباره آن وضع کنیم که در علم روانشناسی اصطلاحاً روان سنجی نامیده می شود. یعنی بهره گیری از آزمون های روانی برای اندازه گیری توانایی های ذهنی. (فرجیان ۱۳۷۵، گنجی ۱۳۷۰).

به علاوه با ارزیابی هوش هیجانی میتوان میزان موفقیت های فرد را در زندگی فردی و اجتماعی پیش بینی کرد. (قمرانی و جعفری ۱۳۸۳).

بنابراین با توجه به اهمیت هوش هیجانی در زندگی لزوم دسترسی به ابزار سنجش مناسب در این زمینه وجود دارد که متناسب با فرهنگ و جامعه ایرانی قابل کاربرد باشد. در این زمینه ضمن

¹ - inTelligence QuoTient

² - EmoTional QuoTient

³ - Goleman

جستجو در منابع اطلاعاتی پرسشنامه هوش هیجانی بار-^۱ به دلیل جامعیت و سادگی انتخاب گردید.

بیان مسأله

با توجه به اینکه هوش هیجانی بر سلامت حافظه و نیروی عقل، ادراک، معنا بخشی تجربه ها، داوری صحیح، تصمیم گیری مناسب و رشد روانی- اجتماعی فرد تأثیر چشمگیر میگذارد، لذا افرادی که دارای هوش هیجانی بالایی هستند قدرت بیشتری برای سازگاری با مسائل جدید روزانه دارند. هم چنین هوش هیجانی بالا با برون گرایی، انعطاف پذیری، دلدیر و با توان بودن، هماهنگ کردن احساسات مختلف، شناسایی این احساسات و تأثیر آنها بر مغز و رفتار همبستگی دارد. در مقابل هوش هیجانی پایین با رفتارهای مسئله ساز درونی، سطح پایین همدلی، ناتوانی در تنظیم خلق و خو، افسرده خویی، اعتیاد به الکل و مواد مخدر، انحرافات جنسی، تخریب دارایی، دزدی و پرخاشگری همراه است. (قمرانی و جعفری، ۱۳۸۳).

بنابراین هوش هیجانی دارای ابعاد و مؤلفه هایی که ممکن است فرهنگ بسته باشد. به عبارتی تحت تأثیر الگوها و باورهای فردی و جمعی گروههای اجتماعی مختلف، معانی و تعابیر مختلفی از آن استنباط شود. به علاوه هر مشاور و روانشناس بالینی باید با روشهای انتخاب، اجرا، تفسیر نتایج آزمون ها آشنا باشد. اگر آزمون بطور صحیح انتخاب، اجرا و تفسیر شود، می تواند به یافتن راه حلی برای مشکل مراجع، کمک کند. در غیر اینصورت نتیجه ای جز اتلاف وقت و گمراهی مشاور در کمک به مراجع نخواهد داشت. (شفیع آبادی، ۱۳۷۰).

در این مهم باید از ابزارهایی استفاده کرد که قابلیت کاربردی در محیطهای مختلف از حیث فرهنگی را داشته باشد و براساس جامعه ای که فرد در آن زندگی می کند هنجار شود. لذا با توجه به اینکه اصل پرسشنامه هوش هیجانی بار-^۱ آن متعلق به فرهنگ غربی است، لازم است با جامعه ایرانی و طبقات مختلف آن هنجار شود. به دلیل تنوع فرهنگی در کشور، ما نیازمند هنجار شهری برای این آزمون هستیم. تا به این پاسخ برسیم که آیا پرسشنامه مذکور از لحاظ شاخصهای روان سنجی قابلیت کاربرد در جمعیت دانش آموزی را دارد؟

¹ - Bar-on

اهمیت و ضرورت تحقیق

آشنایی با تئوری هوش هیجانی، دیدگاه جدیدی دربارهٔ پیش بینی عوامل مؤثر بر موفقیت و هم چنین پیشگیری اولیه از اختلالات روانی فراهم می کند، که تکمیل کننده علوم شناختی، علوم اعصاب و رشد کودک است. از هوش هیجانی در زمینه های آسیب شناسی روانی و تعلیم و تربیت، روابط میان فردی، رضایت حرفه ای، هوش و شغل، سلامت جسمی، فعالیتهای اقتصادی و تجاری، بهزیستی روانی می شود صحبت به میان آورد. (حسینی حسین آبادی ۱۳۸۳، سیاروچی و همکاران ۲۰۰۱، مختاری پور ۱۳۸۱).

لذا با توجه به گستردگی حیطه هوش هیجانی و تأثیر آن در زندگی انسانها ضرورت دارد که آزمونی با توجه به فرهنگ و جامعه ایرانی هنجار شود. بنابراین اهمیت پژوهش حاضر، این است که بتوان با هنجار نمودن یک پرسشنامه هوش هیجانی در جامعه مورد نظر کمکی هر چند اندک به دانش آموزانی که در سنین حساس قرار دارند، و اغلب برای انتخاب راه و روش زندگی آینده، به خود شناسی بیشتر نیاز دارند، ارائه کرد. این پرسشنامه میتواند برای روان سنجها، روان شناسان بالینی، مشاوران و روان درمانگران، در تشخیص و درمان کاربرد فراوانی داشته باشد. با هنجار کردن پرسشنامه مزبور مشاوران دبیرستانها و همچنین مراکز مشاوره و بهداشتی و درمانی مستقر در یزد، قادر خواهند بود که تا حدی دانش آموزان و جوانان دارای هوش هیجانی پایین را شناسایی کرده و اقدامات بعدی که میتواند شامل اجرای آزمونهای تخصصی تر، استفاده از روشهای آموزش مناسب، اقدامات مشاوره روانشناختی و مدد کاری لازم و غیره شود را بکار گیرند. همچنین مسئولین مشاوره را بر این موضوع که مشکلات دانش آموزان و جوانان بیشتر حول چه محورهایی قرار دارد واقف سازد. بنابراین رهنمودهایی برای آنان جهت برگزاری دورههایی برای آموزش و تعلیم و درمان و حل مشکلات برای مشاوران فراهم آورد که این امر می تواند مفید و اثر بخش باشد.

اهداف پژوهش

الف) هدف کلی

هدف اصلی تحقیق هنجار یابی فرم کوتاه شده پرسشنامه هیجانی بار- آن در جامعه دانش آموزان مقطع پیش دانشگاهی ناحیه ی دو آموزش و پرورش شهر یزد در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶ می باشد.

ب) اهداف جزئی

مهمترین اهداف جزئی تحقیق به شرح زیر است:

- بررسی همبستگی مواد آزمون با هم و با نمره کل آزمون
- بررسی همبستگی خرده مقیاس های آزمون با یکدیگر
- بررسی پایایی پرسشنامه بار- آن در جامعه مورد تحقیق
- بررسی پایایی خرده مقیاس های آزمون قبل از تحلیل
- بررسی پایایی خرده مقیاس های آزمون بعد از حذف سئوالات نامناسب
- بررسی شاخص های توصیفی خرده مقیاس ها و نمره کل آزمون
- بررسی امکان وجود ساختار عاملی جدید در جامعه تحقیق حاضر با توجه به داده های جمع آوری شده

- بررسی تفاوت هوش هیجانی پسران و دختران

- بررسی تفاوت هوش هیجانی دانش آموزان در رشته های تحصیلی مختلف

سئوالات پژوهش

- ۱- آیا مواد آزمون دارای همبستگی معنادار با هم و با نمره کل آزمون هستند؟
- ۲- آیا خرده مقیاس های آزمون دارای همبستگی درونی با یکدیگر هستند؟
- ۳- آیا بر اساس پاسخ های افراد آزمودنی پرسشنامه بار- آن در جامعه تحقیق دارای پایایی قابل قبول است؟
- ۴- آیا خرده مقیاس های آزمون قبل از تحلیل به تفکیک دارای پایایی می باشد؟
- ۵- آیا خرده مقیاس های آزمون بعد از حذف سئوالات نامناسب دارای پایایی می باشد؟
- ۶- شاخص های توصیفی خرده مقیاس ها و نمره کل آزمون چیست؟

۷- آیا ساختار عاملی جدیدی در جامعه تحقیق حاضر برای داده های جمع آوری شده وجود دارد؟

فرضیه های تحقیق

۱- آیا بین هوش هیجانی دختران و پسران دانش آموز تفاوت وجود دارد؟

۲- آیا بین هوش هیجانی دانش آموزان رشته های مختلف تفاوت وجود دارد؟

تعریف متغیر

هوش هیجانی

تعریف نظری: یک دسته از توانایی های غیر شناختی که توانایی موفقیت فرد را در مقابله با فشارها و اقتضاهای محیطی افزایش می دهد. (رشتی، ۱۳۸۵).

تعریف عملیاتی: هوش هیجانی از لحاظ عملیاتی سازه ای است که براساس نمره فرد در پرسشنامه هوش هیجانی بار- آن مشخص می گردد.

فصل دوم

ادبیات و پیشینه تحقیق

مقدمه

در سالهای متمادی بهره هوشی یا هوش بهر، معیاری برای سنجش هوش فردی به شمار می آمد. و از آزمون بهره هوشی تنها شاخصی که نشان دهنده توانایی یادگیری و میزان موفقیت شخصی محسوب میشد، استفاده می کردند. در سالهای اخیر این امر مورد بحث و چالش علمی قرار گرفت، زیرا بسیاری از افراد در آزمون ورودی دانشگاهها و مؤسسات عالی از نظر بهره هوشی نمره بالایی کسب می کردند، اما این افراد در محیط کار و خانواده چندان موفق نبودند، و برعکس افرادی که بهره هوشی پایینی داشتند، در محیط کار افرادی موفق و سازگار به شمار می رفتند، که علت آن میتواند به سطح هوش هیجانی فرد مربوط باشد. (آقایار، ۱۳۸۳).

این فصل در دو بخش ارائه می گردد. ابتدا به ادبیات نظری درباره هوش هیجانی پرداخته می شود، که به توصیف کلی هوش هیجانی که شامل تاریخچه طرح هوش عاطفی، تعاریف هوش هیجانی، رویکردها در تعریف هوش عاطفی، گستره هوش هیجانی (شغلی، زناشویی، تحصیلی، اختلال های روانی، حافظه، آینده) آموزش و پرورش و افزایش هوش هیجانی و... همچنین هوش هیجانی از دیدگاه بار- آن، مشخصات آزمون هوش هیجانی، حیطه های پرسشنامه بار- آن، نحوه نمره گذاری، کلید نمره گذاری، ارزیابی پرسشنامه و... می باشد. و در بخش دوم سوابق پژوهشی ارائه می شود، که مهمترین تحقیقات انجام شده در خارج و داخل کشور در این زمینه ذکر می گردند.

تاریخچه طرح هوش هیجانی

مدتها قبل از تمدن بشری فلاسفه ای چون ارسطو، سقراط، افلاطون، سنت اگوستین، دکارت، پاسکال و کانت مجذوب نقش عاطفی در تفکر و رفتار شده اند. افلاطون اولین کسی بود که فکر می کرد، عاطفه، جنبه بسیار ابتدایی و حیوانی انسان است که با عقل و منطق سازگار نیست. هم چنین چارلز داروین موضوع هوش عاطفی را برای اولین بار در سال ۱۸۳۷ میلادی مطرح کرد. و در سال ۱۸۷۳ اولین اثر معروف خود را در این زمینه منتشر کرد. داروین اثبات کرد که ابراز عواطف در رفتار سازگاران افراد نقش اساسی ایفا می کند. این یافته به عنوان یک اصل مهم هوش عاطفی تا امروز مورد قبول صاحب نظران بوده است. (سیاروچی و همکاران ۲۰۰۱، ص ۸۵ و ص ۱۴۱).

۱۹۰۰ الی ۱۹۶۹ هوش هیجانی به عنوان دو حیطه جدا از هم

تحقیقات در باب هوش : در این دوره حوزه آزمون گری روانشناختی برای هوش رشد و گسترش یافت و یک تکنولوژی صریحی درباره آزمونهای هوش قدم به عرصه وجود گذاشت. تحقیقات در باب هیجان: در حوزه ای جدا، از هیجان، بحث و گفتگو متمرکز بر همان مشکل قدیمی مرغ و تخم مرغ بود، که کدامیک زودتر بوجود آمده اند، واکنشهای فیزیولوژیک یا هیجان. در دیگر گستره های کاری، داروین در رابطه با انفعال پذیری و تکوین پاسخهای هیجانی سخن گفته بود. اما در طول این دوره هیجان اغلب به عنوان یک موضوعی که فرهنگی است تعیین شد و عمدتاً محصول آسیب شناسی و پدیده‌هایی با ویژگی فردی نگریسته می شد. (دهشیری ۱۳۸۳، ابراهیمی بی تا).

تحقیقات در باب هوش اجتماعی

همانگونه که آزمونگری هوش پا به عرصه وجود گذاشت و تمرکز بر روی هوش کلامی و بیانی بود، تعدادی از روانشناسان بدنبال شناسایی هوش اجتماعی هم بودند. از جمله هوش اجتماعی در سال ۱۹۲۰ توسط ثراندیک مطرح شد. وی در مقاله ای در روزنامه هارپر اظهار داشت، که:

«هوش اجتماعی یعنی توانایی درک دیگران و عمل کردن عاقلانه در ارتباطهای بشری»

که جنبه ای از هوش هیجانی است و به خودی خود جنبه ای از هوش بهر را نیز تشکیل می دهد. (همان منبع).

به علاوه وکسلر نیز به ابعاد غیر شناختی هوش عمومی تأکید کرده است. وکسلر در صفحه ۱۰۳ گزارش ۱۹۴۳ خود درباره هوش مینویسد:

« کوشیده ام نشان دهم که علاوه بر عوامل هوش، عوامل غیر هوشی ویژه ای نیز وجود دارد. که می تواند رفتار هوشمندانه را مشخص کند نمی توانیم هوش عمومی را مورد سنجش قرار دهیم مگر اینکه آزمونها، معیارهایی نیز برای سنجش عوامل غیر هوشی دربر داشته باشد». (مقنی زاده ۱۳۸۲).

وکسلر در صدد آن بود که جنبه های غیر شناختی و شناختی هوش عمومی را با هم بسنجد. تلاش او را در این زمینه میتوان در استفاده وی، از کاربرد خرده آزمونهای تنظیم تصاویر، درک و فهم، که دو بخش عمده آزمون وی را تشکیل می دهد، دریافت. در خرده آزمون درک و فهم،

سازگاری اجتماعی و در تنظیم تصاویر، شناخت و موقعیتهای اجتماعی مورد بررسی قرار میگیرد. (همان منبع).

لیپر^۱ ۱۹۴۸ نیز براین باور بود که تفکر هیجانی بخشی از تفکر منطقی است و به این نوع تفکر یا به معنای کلی تر "هوش" کمک می کند. (دهشیری، ۱۳۸۳).

روانشناسان دیگری نظیر مایر و سالوی^۲ (۱۹۹۳) نیز پژوهشهای خو را به جنبه های هیجانی هوش متمرکز کرده اند، ولی به هر جهت تلاش در این راه مایوس کننده بود و مفاهیم هوشی منحصرأ بصورت شناختی باقی ماندند. (دهشیری ۱۳۸۳، ابراهیمی بی تا).

۱۹۷۰ الی ۱۹۸۹ پشتازان هوش هیجانی

طلایه داران هوش هیجانی در این دهه تلاش می کردند.

حوزه شناخت و عاطفه ظهور یافت تا به بررسی این مطالب پردازد که چگونه هیجانات در رابطه با افکار می باشند. در این دوره عنوان شده بود، که افراد افسرده ممکن است، نسبت به دیگران کمی بیشتر واقع گرا و دقیق باشند، و از این رو نوسانات خلقی آنها ممکن است، خلاقیت آنها را ارتقاء بدهد. حوزه ارتباط غیر کلامی، مقیاسهایی را گسترش داد، تا برای ادراک اطلاعات غیر کلامی که قسمتی از آنها هیجان بود، در باب تظاهرات چهره ای و ژستها عمل کنند. آن افرادی که در حوزه هوش مصنوعی کار می کردند به بررسی این مطلب پرداختند، که چگونه کامپیوترها ممکن است، بفهمند و دلیل بیاورند درباره اینکه داستانها دارای ابعاد هیجانی هستند. (سیاروچی و همکاران، ۲۰۰۱).

تئوری جدید گاردنر، در باب هوش چند گانه به توصیف یک هوش درون فردی پرداخت، که این هوش در برگیرنده قابلیت ادراک نماد سازی هیجانات می باشد. کارهای تجربی بر روی هوش اجتماعی به این نتیجه رسید که (هوش اجتماعی) به مهارتهای اجتماعی، مهارتهای همدلانه، نگرشهای پیش اجتماعی، اضطراب اجتماعی و هیجان پذیری، تقسیم می شود. تحقیقات در باب مغز شروع به جداسازی ارتباطات میان هیجان و شناخت کردند. (استفاده به طور معمول از واژه هوش هیجانی ظاهر شد). (همان منبع).

¹ - Leeper

² - Mayer & Salovey

۱۹۹۰ الی ۱۹۹۳ ظهور هوش هیجانی

در ۴ سال آغازین دهه ۱۹۹۰ مایر و سالوی^۱ رشته مقالاتی تحت عنوان هوش هیجانی چاپ کردند. این مقالات اولین بازنگری حوزه های بالقوه مربوط به هوش هیجانی بودند. در همان زمان مطالعات، نشان داده شده، شامل اولین توانایی سنجش هوش هیجانی، تحت همان عنوان به چاپ رسید. و دیگر مقیاسهای هوش هیجانی گسترش یافتند. علی الخصوص علوم مغزی.

۱۹۹۴ الی ۱۹۹۷- عمومی سازی و گسترش مفهوم هوش هیجانی
گلنن یک ژورنالیست علمی، کتاب مشهور خود را تحت عنوان «هوش هیجانی» منتشر ساخت.
در آن کتاب، هوش عاطفی را به عنوان:

«آگاهی به عواطف خود، مدیریت عواطف، برانگیختن خود، شناسایی عواطف و تنظیم روابط با دیگران»

تعریف نمود. مجله تایم روی جلد خود واژه هوش هیجانی را بکار برد. تعدادی از مقیاس های شخصیتی تحت عنوان هوش هیجانی انتشار یافتند. بار- آن ۱۹۹۷ مدلی چند عاملی برای هوش هیجانی تدوین کرده است. وی معتقد است که هوش هیجانی جزئی از توانائی ها و مهارتهایی است که فرد را برای سازگاری مؤثر با محیط و کسب موفقیت در زندگی تجهیز می کند. وصف هیجان در این نوع هوش رکن اساسی است که آنرا از هوش شناختی متمایز می کند. (ابراهیمی بی تا).

۱۹۹۸ تا به حال، تحقیق و مؤسسه سازی هوش هیجانی

چالش هایی در باب مفهوم هوش هیجانی انجام شد و مقیاسهای جدیدی در باب مفهوم و مقالات تحقیقی بازنگری شده در رابطه با موضوع معرفی گردیده است. (ابراهیمی بیتا، رشتی ۱۳۸۵، دهشیری ۱۳۸۱).

تعاریف هوش هیجانی

هوش هیجانی همانند هوش شناختی شناور است. هوش هیجانی ریشه خود را از مفهوم هوش اجتماعی می گیرد که اول بار توسط ثراندیک در سال ۱۹۲۰ شناسایی شد. (حامدی ۱۳۸۲).
نخستین تعریف رسمی از هوش هیجانی را در سال ۱۹۹۰ توسط سالوی و مایر مطرح شد:

¹ - Mayer & Salovey.

«توانایی شناسایی هیجانهای خود و دیگران و تمایز بین آنها و استفاده از اطلاعات برای هدایت تفکر و رفتار فرد» (همان منبع).

گلمن (۱۹۹۵) هوش هیجانی را از هوش بهر جدا کرده است. بنظر او هوش هیجانی، شیوه استفاده بهتر از هوش بهر را از طریق خود کنترلی، اشتیاق و پشتکار و خودانگیزی شکل می دهد. (گلمن، ۱۹۹۹).

بار- آن (۱۹۹۹)- هوش هیجانی را

«یک دسته از تواناییها و مهارتهای غیر شناختی، که توانایی موفقیت فرد در مقابله با فشارها و اقتضاهای محیطی را افزایش می دهد» بیان کرده است. (بار- آن ۲۰۰۰).

سازه هوش هیجانی نماینده توانایی تشخیص، ارزیابی و بیان احساس و هیجان به نحو صحیح و سازگارانه است. (حامدی ۱۳۸۲).

هوش هیجانی، عبارت است از پردازش مناسب اطلاعاتی که بار هیجانی دارند و استفاده از آنها برای هدایت فعالیتهای شناختی مانند حل مساله و تمرکز انرژی روی رفتارهای لازم. (اکبرزاده، ۱۳۸۳).

رویکردها در تعریف هوش عاطفی

میتوان از دو رویکرد در تعریف هوش عاطفی نام برد:

الف: رویکردهای اصیل و غیر ترکیبی که هوش عاطفی را به عنوان هوش که شامل عاطفه است، تعریف می کند.

ب: رویکردهای معمولی و ترکیبی، که هوش عاطفی را با مهارتها و خصیصه های دیگری شامل بهزیستی روانی، انگیزشی و توانایی برقراری رابطه با دیگران، در هم می آمیزند و بر ترکیبی از آنها تاکید دارند. (رشتی، ۱۳۸۵).

خصایصی که گفته می شود هوش عاطفی را می سازند.

سالوی و مایر هوش عاطفی را به چهار حوزه تقسیم می نمایند: اولین حوزه شامل ادراک و ابراز عواطف می باشد، که در برگیرنده ی ارزیابی صحیح عواطف در خود و دیگران است. حوزه ی دوم شامل توانایی کاربرد جهت تسهیل تفکر است، که در برگیرنده ی پیوند و ارتباط صحیح عواطف با سایر احساسات، و نیز توانایی کاربرد عواطف، برای بهبود و افزایش تفکر می باشد.

سومین حوزه یعنی درک و فهم عواطف، شامل تجزیه کردن عواطف به اجزای مختلف، فهمیدن و درک تغییر احتمالی از یک حالت احساسی به حالت احساسی دیگر، و فهم احساسات پیچیده در موقعیت های اجتماعی می باشد. در پایان، حوزه ی چهارم مدیریت عواطف است که شامل توانایی اداره ی احساسات خود و دیگران می باشد. (سیاروچی و همکاران، ۲۰۰۱).

گستره هوش هیجانی

هوش هیجانی، آخرین و جدید ترین تحول در زمینه فهم رابطه بین تعقل و هیجان است. علیرغم دیدگاههای اولیه. نگاه واقع بینانه به ماهیت انسان نشان میدهد، که انسان نه منطق صرف است و نه احساس و هیجان صرف، بلکه ترکیبی از هر دو است. بنابراین توانایی شخص، برای سازگاری و چالش در زندگی به عملکرد منسجم قابلیت های هیجانی و منطقی بستگی دارد. همانطور که تامکینز^۱ در سال (۱۹۶۲) بیان میکند:

«تعقل بدون عاطفه، ناتوانی است و عاطفه بدون تعقل، نابینا است». (رضوی ۱۳۸۴)

موفقیت در زندگی توانایی شخص را در استدلال و براساس تجارب هیجانی و سایر اطلاعات سرشار عاطفی، پاسخ به شیوه ای انطباقی با منابع ترسیم شده و تعقل درباره موفقیت های گذشته و حال را به مبارزه می طلبد. به علاوه تجارب بالینی امروز مدعی است، که تفکر خالی از هیجان، فرایند تصمیم گیری رضایت بخش را غیر ممکن می سازد. بنابراین فقدان کفایت و قابلیت هیجانی می تواند، افراد را از دستیابی به پتانسیل بالقوه شان باز دارد. اما بُعد مثبت این قضیه آن است که، هوش هیجانی قابل یادگیری هست و از لحاظ ژنتیکی ثابت نیست. لذا متخصصان تعلیم و تربیت و مربیان با استفاده از برنامه های عاطفی- اجتماعی توانسته اند تغییرات مثبت و معناداری در زندگی دانش آموزان از جمله، تحصیل بهتر، پرخاشگری کمتر، عدم اعتیاد را بوجود آورند. (رضوی ۱۳۸۴، دهشیری ۱۳۸۱، سیاروچی و همکاران ۲۰۰۱، شولتز ۱۹۹۸).

هوش هیجانی و توانایی شغلی

از هوش عاطفی برای گزینش و رشد و توسعه ی توانایی های شغلی، آموزش و بهبود مدیریت منابع انسانی، استفاده می شود. مهارت های عاطفی و اجتماعی، بخش مهمی از توانایی های افراد برای احراز شغلی است، که طالب آن هستند. هم چنین این نوع هوش، به عنوان یک عامل

¹ - Tomkins.

واسطه ای و سازمان دهنده میتواند موجب بهبود عملکرد گروه شود. زیرا برای گروه این امکان را فراهم می آورد که بطور سریع و موثر به شکل هماهنگ در آید. (رشتی ۱۳۸۵، دهشیری ۱۳۸۳).

هوش هیجانی و موفقیت زناشویی

هوش هیجانی با شادکامی در زندگی زناشویی و دوام آن رابطه دارد. مدیریت و تنظیم هوشمندانه ی عواطف یک عامل مهم و تعیین کننده در سلامت ازدواج و زناشویی است. زوجهای شاد و سعادتمند، آنهایی هستند که به صورت دقیق و صحیح به ادراک، تشخیص و تنظیم و ابراز عواطف خود با یکدیگر می پردازند، و هر چه از سطح بالاتری از این توانایی برخوردار باشند، زندگی سعادتمند تر و خوشبخت تری خواهند داشت. هم چنین ناتوانی مردان در تشخیص و ابراز دقیق عواطف، علت مهم و اساسی ازدواجهای ناموفق است. (دهشیری ۱۳۸۳، سیاروچی و همکاران ۲۰۰۱، کرتیس^۱ ۱۹۶۳).

هوش عاطفی و اختلالات روانی

هیجانها نقش اساسی در اختلالات روانی ایفا می کنند. شاید به این دلیل که انسان باید عقلانی و منطقی باشد. گروس (۱۹۹۸) مطرح می کند که عدم تنظیم هیجان در نیمی از اختلالات محور I و در تمام اختلالات محور II نقش مهمی ایفا می کند. (خدایپناهی، ۱۳۸۵).

لذا در حوزه های روان پزشکی و طب روانی تنی، درمانگران و پژوهشگران از سازه ای بنام الکسی تیمیا^۲، که به نحوی باهوش عاطفی در ارتباط است، صحبت می نمایند. افرادی که دچار الکسی تیمیا هستند، نمی توانند به خوبی با دیگران ارتباط برقرار نموده و سازگار گردند، و آمادگی ابتلا به انواع اختلالات روانی (اختلال سوء مصرف مواد، اختلال خوردن، اختلال جسمانی شکل، اختلال افسردگی و اضطرابی، اختلال شخصیت مرزی) را دارند، و این اختلال میتواند باعث انواع آشفتگی و بهم ریختن فرایند تنظیم و اداره عواطف در آنان گردد. بنابراین هوش هیجانی شیوه ای پذیرفته شده برای ارزیابی موفقیت یک فرد است. (کاظمی ۱۳۸۵، سیاروچی و همکاران ۲۰۰۱، گلمن ۱۹۹۹).

¹ - Certice.

² - alexithymia.

هوش هیجانی و حافظه

تجربه های عاطفی ما بر نحوه ذخیره سازی اطلاعات در حافظه مربوط می شود. حالات عاطفی نقش تعیین کننده ای در نحوه پردازش و اندوزش محتوای اطلاعات، ایفا می کنند. تحریک عواطف در جهت مثبت منجر به تقویت انگیزه و مبارزه برای رسیدن به هدف می شود. (کیاسالار، بی تا).

هوش عاطفی و آینده

هوش عاطفی، می تواند به مادر زندگی کردن در لحظه حال بسیار کمک کند. حالات عاطفی، غالباً ما را از زمان حال غافل نگه می دارند، و نسبت به آینده مبالغه آمیز و تحریف شده عمل می کنند. مروری بر احساسات حال و گذشته، می تواند به مادر پیش بینی آینده و احیاناً در تغییر نگرش ما به آینده نقطه تأملی ایجاد کند. (همان منبع).

در مجموع این نظریه (هوش هیجانی) از خصوصی ترین حالت های افراد تا گسترده ترین روابط فرد با اجتماع را در بر می گیرد. بنابراین عاطفه بر بیشتر رفتارهای ارتباطی، گروهی، تصمیم های سازمانی، رفتارهای مرتبط با سلامت، بهداشت و حتی خریدهای روزانه تأثیر می گذارد، و هوش عاطفی، لزوماً شامل آگاهی از چگونگی و زمانی است که این تأثیر صورت می گیرند. هم چنین در زمینه ی سلامت جسمی، سطح مناسب و منطقی ابراز عواطف به ما کمک می نماید، تا بتوانیم از پیامدهای منفی چون ابراز خشم یا سرکوبی عواطف پرهیزیم. در زمینه سرمایه گذاری های تجاری، یادگیری مدیریت و کنترل پشیمانی خود از سرمایه گذاری یا اضطراب ناشی از آن، کلید طلایی موفقیت، در زمینه تجارت و سرمایه گذاری و پرهیز از پیامدهای آسیب شناختی ضرر و زیانهای اقتصادی می باشد. هوش عاطفی به فرد کمک می کند که هم سالم باشد و هم ثروتمند (عبدی ۱۳۸۴، سیاروچی و همکاران ۲۰۰۱، کاظمی ۱۳۸۵، کرتیس ۱۹۶۳).

آموزش و پرورش و افزایش هوش هیجانی

شکل گیری اجزای هوش هیجانی از همان بدو تولد کودک آغاز می گردد، و به عنوان مبنای تمام یادگیری های بعدی او، عمل می کند. خانواده به عنوان اولین مدرسه آموزش هیجانها به کودک مطرح است. نحوه برخورد والدین با کودک، در شکل گیری ویژگی های عاطفی وی مؤثر است. نتایج مطالعات مختلف نشان می دهد، والدینی که فاقد الگوهای صحیح تربیتی اند، به

احساسات و نیازهای کودک توجه نمی کنند، فرصت اکتشاف و کنجکاوی را از کودک سلب می نمایند، در برابر اشتباهات کودک موضعی مستبدانه و توأم با تنبیه اتخاذ می کنند، نحوه صحیح بیان احساسات و عواطف را به کودک آموزش نمی دهند، مجادله های کلامی و غیر کلامی با همدیگر و کودکانشان دارند، خواسته های خویشان را به کودک تحمیل می کنند، به برخوردهای افراطی و ترحم آمیز متوسل می شوند، به طور ناخواسته کودکانی پرورش می دهند که فاقد کفایت عاطفی و هیجانی اند. (کاظمی، ۱۳۸۵).

اگر ما سعی کنیم در کنار آموزشهای علمی فرزندانمان، تحولاتی مثل، سواد آموزی هیجانی، خود شناسی و هوش هیجانی را نیز قرار دهیم، آنها یاد خواهند گرفت وقتی عصبانی شدند، به جای اسلحه از زبان و به جای زور از همدلی استفاده کنند و بتوانند هیجانات خود را شناسایی، کنترل و هدایت کنند. (عبدی، ۱۳۸۴).

لذا یکی از راه حل های پیشنهادی برای پرورش هوش هیجانی، ایجاد یک محیط امن عاطفی است به گونه ای که کودکان بتوانند با آزادی و امنیت خاطر درباره احساساتشان با والدین گفتگو کنند. پس باید به آنها نشان داد که به احساسات آنها توجه شده و نظریات آنها با صبر و حوصله شنیده می شود. حتی اگر نظریات کودکان مورد قبول والدین نیست، بهتر است با استدلال خواهی آنها را توجیه کنند، و اگر اشتباهی از جانب والدین رخ داد، باید از کودکان عذر خواهی کنند تا عملاً آموخته باشند که پذیرش اشتباهات و احساس تأسف امری طبیعی است. (رشتی، ۱۳۸۵).

هم چنین آموزش مهارت های اجتماعی نیز یکی از راه های افزایش هوش هیجانی است. این آموزشها شامل برنامه های کنترل خشم و عصبانیت، همدلی، تشخیص و به رسمیت شناختن تشابهات و تفاوت های مردم. اظهار ادب و صمیمیت و تعارف، اداره خود، برقراری ارتباط، ارزیابی خطرات، خود گفتاری مثبت، حل مساله و مشکل، تصمیم گیری ایجاد هدف و مقاومت در مقابل فشار گروه همسن است. (حسینی حسین آبادی ۱۳۸۳، رشتی ۱۳۸۵).

بعلاوه سالوی عقیده دارد، که بسیاری از مهارت هایی که قسمتی از هوش هیجانی هستند، می توانند یاد گرفته شوند. روان درمانی، مشاوره، مربی گری، آماده سازی راه هایی هستند که بوسیله آنها می توان مهارت های هیجانی را افزایش داد. (مایر و سالوی ۲۰۰۲، نقل از خشنودی فر ۱۳۸۵).

بنابراین آنچه مسلم است این است که مهارتها و قابلیت‌های هیجانی قابل یادگیری بوده و وارد نمودن آموزش اینگونه مهارتها در برنامه آموزشی استاندارد مدارس و حتی دانشگاه‌ها و مراکز صنعتی و تدریس آنها مانند سایر مهارت‌های تخصصی در رویکرد پیشگیرانه مهم بشمار می آید. برای نمونه صنعت آمریکا ۵۰ میلیون دلار صرف آموزش هوش هیجانی کارکنان خود کرده است و بسیاری از این آموزش‌ها، بر توانایی‌ها و قابلیت‌های اجتماعی و هیجانی آنها تمرکز یافته‌اند. گرانت برای پدید آوردن "هوش هیجانی" در فرد برنامه آموزشی چند مرحله‌ای زیر را پیشنهاد کرد که با موفقیت خوبی همراه بود.

الف) آموزش مهارت‌های هیجانی

شناسایی و نامگذاری احساسات، ابراز احساسات، مدیریت احساسات، به تعویق انداختن کامیابی، کنترل هیجانها، آگاهی یافتن از تفاوت‌های موجود میان احساسات و عمل.

ب) آموزش مهارت‌های شناختی

صحبت با خود (اجرای گفتگوی درونی)، دریافتن و تفسیر نشانه‌های اجتماعی، استفاده از گام‌های مشخصی برای حل مسائل و انجام تصمیم‌گیری‌ها (به عنوان مثال، کنترل هیجان، تعیین اهداف و...) درک نظر گاه دیگران درک هنجارهای رفتاری، داشتن دیدگاهی مثبت به زندگی و خود آگاهی.

ج) آموزش مهارت‌های رفتاری

مهارت‌های غیر کلامی، مهارت‌های کلامی، در اجرای این برنامه، استادان از شیوه‌های متفاوتی استفاده می کنند. اما نوعاً با شناخت هیجانات آغاز می کنند و از دانش آموزان می خواهند درباره احساسات مختلف خود تا آنجا که میتوانند در مقابل دوستانشان آنها را توصیف کنند. ده‌ها تمرین وجود دارد که متناسب با شرایط سنی و سطح تحول آنها طراحی شده است، و کودکان و نوجوانان می آموزند، که چگونه هیجانات خود را بشناسند و با چه شیوه‌ای بر هیجانات، عواطف و رفتار خود مدیریت کنند. (اسدی ۱۳۸۲، عبدی ۱۳۸۴، اکبرزاده ۱۳۸۳).

نقش مدرسه در پرورش هوش هیجانی

جایگاه مدرسه در پرورش ابعاد مختلف شخصیت کودکان از دیر باز مورد توجه متخصصان قرار گرفته است. پرورش ابعاد شناختی به همراه ابعاد غیر شناختی، تاثیرهای فراگیر و عمیق بر روند

شکل گیری شخصیت دانش آموزان می گذارد. مدرسی در پرورش استعداد های هیجانی، موفق اند که به ایجاد رابطه ای مناسب بین دانش آموزان، معلمان و سایر اعضای مدرسه کمک کنند. در چنین مدرسی معلم و دانش آموزان برای ایجاد تعامل و رابطه متقابل و مطلوب تلاش میکنند. برنامه های آموزش مهارت های هیجانی اینگونه مدارس نه تنها به آگاهی دانش آموزان از حالت های هیجانی خود کمک می کنند، بلکه عزت نفس آنان را نیز تقویت نموده باعث می شوند که در آزمون های شناختی استاندارد نمره های بهتری کسب کنند. (رشتی، ۱۳۸۵).

به علاوه دانش آموزانی که دارای هوش هیجانی بالایی اند، کمتر دچار رفتار های انحرافی، گریز از مدرسه و اخراج از مدرسه می شوند. (قمرانی و جعفری، ۱۳۸۳).

لذا نظام تعلیم و تربیت باید از طریق تدارک زمینه های تربیت کامل و آموزش چگونگی رویارویی و نحوه سازگاری با مسائل شایستگی های لازم برای تامین سعادت و نیک بختی را در کودکان و نوجوانان ایجاد کند. دانش آموزان برای مقابله سازگاران با استرس ها، موقعیت های مختلف و تعارض های زندگی به کارکردهایی نیاز دارند، که آنان را در کسب این توانایی ها تجهیز کنند. این کارکردها بسیار زیر بنایی اند و در فرایند تحول شکل می گیرند، کارکردهایی نظیر: شناخت ها، عواطف و رفتارها که در قالب ساختارهای مثل:

عزت نفس، خود کارآمدی، حل مسئله و مهارت های اجتماعی تجلی می یابند. (نیک پور ۱۳۸۳، لواسانی ۱۳۸۳، سیاروچی و همکاران، ۲۰۰۱).

هوش هیجانی از دیدگاه بار- آن

یکی از نظریه پردازان مدل مختلط هوش هیجانی ریون بار- آن^۱ (۱۹۹۷) است که وی هوش هیجانی، را به این صورت تعریف کرده است:

«یک دسته از مهارتها، استعدادها و توانایی های غیر شناختی که توانایی موفقیت فرد را در مقابله با فشارها و

اقتضاهای محیطی را افزایش می دهد.» (دهشیری، ۱۳۸۳).

مدل بار- آن از هوش هیجانی چند عاملی است و مربوط به استعدادهایی برای عملکرد است تا خود عملکرد. (یعنی استعداد موفقیت تا خود موفقیت). این مدل همچنین فرایند مدار است تا نتیجه مدار، لذا در اندازه گیری هوش هیجانی بیشتر به توان بالقوه انجام کار توجه می شود تا

¹ - Reuven Bar-on

حاصل کار یعنی بیشتر به فرایند کار توجه داریم تا پیامدها. ماهیت جامع این مدل مفهومی، براساس گروهی از مولفه های عاملی (مهارتهای هوش هیجانی) و روشی که آنها تعریف می شوند، قرار دارد. (ابراهیمی بیتا، جلالی ۱۳۸۱).

مشخصات آزمون هوش هیجانی بار- آن

این آزمون دارای ۱۱۷ سؤال و پانزده مقیاس می باشد که توسط بار- آن در سال ۱۹۸۸ ساخته شد. این هوش بنا به نظر بار- آن پنج مؤلفه به شرح زیر دارد که ۱۵ عامل در آن موثر هستند. افرادی که تعداد بیشتری از این مولفه ها را در خود بیابند، هوش هیجانی بالاتری دارند.

۱- مهارت های درون فردی شامل:

خود آگاهی هیجانی^۱ (باز شناسی و فهم احساسات خود).

جرأت^۲ (ابراز احساسات، عقاید، تفکرات و دفاع از حقوق شخصی به شیوه ای سازنده).

خود تنظیمی^۳ (آگاهی، فهم، پذیرش و احترام به خویش).

خود شکوفایی^۴ (تحقق بخشیدن به استعدادهای بالقوه خویش).

استقلال^۵ (خود زمانی و خود کنترلی در تفکر و عمل شخصی و رهایی از وابستگی هیجانی).

۲- مهارتهای میان فردی شامل:

روابط میان فردی^۶ (آگاهی، فهم، درک احساسات دیگران، ایجاد حفظ روابط رضایت بخش دو جانبه که به صورت نزدیکی هیجانی و وابستگی مشخص می شود).

تعهد اجتماعی^۷ (عضو موثر و سازنده گروه اجتماعی خود بودن، نشان دادن خود به عنوان یک شریک خوب).

همدلی^۸ (توان آگاهی از احساسات دیگران، درک احساسات و تحسین آنها).

¹ - Emotional Self Awareness(ES)

² - Assetiveness (AS)

³ - Self- Regard (SR)

⁴ - Self- Actualization (SA)

⁵ - Independence (IN)

⁶ - Interpersonal relationship (IR)

⁷ - Social Responsibility (RE)

⁸ - Empathy (EM)

۳- سازگاری شامل:

مسأله گشایی^۱: (تشخیص و تعریف مسائل، همچنین ایجاد راهکارهای موثر).
آزمودن واقعیت^۲: (ارزیابی مطابقت میان آنچه به طور ذهنی و آنچه به طور عینی، تجربه می شود).

انعطاف پذیری^۳: (تنظیم هیجان، تفکر و رفتار به هنگام تغییر موقعیت و شرایط).

۴- کنترل استرس شامل:

توانایی تحمل استرس^۴ (مقاومت در برابر وقایع نامطلوب و موقعیت های استرس زا).
کنترل تکانه^۵ (ایستادگی در مقابل تکانه یا انکار تکانه).

۵- خلق عمومی شامل:

شادی^۶ (احساس رضایت از خویشتن، شاد کردن خود و دیگران).
خوشبینی^۷ (نگاه به جنبه های روشن زندگی و حفظ نگرش مثبت حتی در مواجهه با ناملایمات).
ناملایمات). (بار- آن ۲۰۰۷، سموعی ۱۳۸۲، حسینی حسین آبادی ۱۳۸۳).
حیطه های پرسشنامه هوش عاطفی بار- آن

پرسشنامه عاطفی بار- آن برای ارزیابی هوش عاطفی آزمودنیها استفاده شده است. اما بهتر است، آن را یک مقیاس خود سنجی توانش عاطفی و اجتماعی بنامیم، که برآوردی عاطفی و اجتماعی را در اختیار ما قرار میدهد. این پرسشنامه شامل ۱۱۷ بخش کوتاه است و گزینه های آن بر طبق مقیاس پنج درجه ای لیکرت تنظیم شده است. پاسخ به بخشهای پرسشنامه ی هوش عاطفی، یک نمره کامل از ضریب هوش عاطفی بدست می دهد. خرده مقیاسهای پنج گانه، که هر کدام از آنها

¹ - Solving Problem (PS)

² - Testing Reality (RT)

³ - Flexibility (FL)

⁴ - Stress- Tolerance (ST)

⁵ - Impulse- Control (IC)

⁶ - Happiness (HA)

⁷ - Optimism (OP)

خود به سه خرده مقیاس دیگر تقسیم می شوند. جمعاً پانزده نمره بدست میدهند. پنج خرده مقیاس اصلی عبارتند از:

۱-ضریب هوش عاطفی درون فردی (شامل: حرمت نفس، خود آگاهی عاطفی، جرات ورزی، شجاعت خود شکوفایی).

۲-ضریب هوش عاطفی بین فردی (شامل همدلی، مسئولیت پذیری اجتماعی، روابط بین فردی).

۳-ضریب هوش عاطفی مدیریت استرس (شامل تحمل استرس، کنترل تکانه).

۴- ضریب هوش عاطفی خلق عمومی (شامل خوش بینی، شادکامی).

این پرسشنامه دارای چهار شاخص اعتبار به قرار زیر است:

نرخ حذف (تعداد پاسخهای حذف شده).

شاخص ناهمسانی (درجه ناهمسانی بین انواع بخشهای مشابه).

برداشت مثبت (تمایل به دادن پاسخ مثبت مبالغه آمیز).

برداشت منفی (تمایل به دادن پاسخ منفی مبالغه آمیز).

پرسشنامه ی ضریب هوش عاطفی یک ضریب تصحیح دارد که بطور خود کار نمره های مقیاس را با نمره های برداشت مثبت و برداشت منفی تطبیق میدهد. (سیاروچی و همکاران، ۲۰۰۱).

نحوه نمره گذاری

از آنجا که گزینه ها بر روی یک طیف پنج درجه ای لیکرت تنظیم شده اند، نمره گذاری از ۵ به ۱ (کاملاً موافقم ۵ و کاملاً مخالفم ۱) و در بعضی سؤالات با محتوای منفی یا معکوس، که در جدول شماره ۱ با علامت * مشخص شده اند از یک به ۵ (کاملاً موافقم ۱ و کاملاً مخالفم) انجام می شود. نمره کل هر مقیاس، برابر با مجموع نمرات هر یک از سؤالات آن مقیاس و نمره کل آزمون برابر با مجموع نمرات ۱۵ مقیاس می باشد. کسب امتیاز بیشتر در این آزمون، نشانگر موفقیت برتر فرد در مقیاس مورد نظر یا در کل آزمون و برعکس می باشد. مثلاً کسب امتیاز بالاتر در مقیاس خودابرازی؛ نشان دهنده، خود ابرازی بیشتر در فرد است. (سموعی، ۱۳۸۲).

ارزیابی پرسشنامه هوش عاطفی بار-آن

این گونه ادعا شده است که پرسشنامه هوش هیجانی بار-آن یکی از جامع ترین آزمونهای خودسنجی هوش عاطفی است. لذا براساس اظهارات بار-آن طراح و سازنده آزمون پرسشنامه هوش هیجانی، خرده مقیاس های آن، با توجه به مطالعاتی که در فرهنگهای متفاوتی بدست آمده است از ضریب پایایی، همسانی درونی و بازآزمایی رضایت بخشی برخوردار است، و آزمون مفید و سودمندی برای سنجش هوش عاطفی میباشد. این آزمون با متغیرهایی چون موفقیت تحصیلی، توانایی سازگاری، فرهنگهای متفاوت، مهارت مقابله با استرسها و سازگاری با شرایط زندان همبستگی معنا داری دارد. (سیاروچی و همکاران، ۲۰۰۱).

لزوم هنجاریابی پرسشنامه هوش عاطفی بار-آن

هوش هیجانی یکی از عوامل مهم در تعیین موفقیت فرد در زندگی است، و مستقیماً بهداشت روانی فرد را تحت تأثیر قرار می دهد. هوش هیجانی با سایر تعیین کننده های مهم (توانایی موفقیت فرد در مقابله با اقتضاهای محیط) از قبیل آمادگی های زیست پزشکی، استعداد و هوش شناختی و واقعیتها و محدودیتهای محیطی در تعامل است. در واقع تفاوت بین معلومات کتابی و مهارت در زندگی روزمره و ارتباط افراد، همان تفاوت بین ضریب هوشی و هوش هیجانی آنها است. (ابراهیمی، بیتا).

هم چنین هوش عاطفی نقش اساسی و مرکزی در تعاملهای انسانها با یکدیگر دارد و در فعالیتهای مرتبط با خانه، مدرسه، شغل و دیگر موقعیتهای تأثیر گذار است، با توجه به گسترده بودن دامنه ی شمول هوش عاطفی، باید به روشهای پردازش و افزایش آن توجه زیادی مبذول داشت. برای اینکه یک ایده، ارزش تحلیلی داشته باشد، لازم است تا به چند طریق مقبول یا معقول باشد. از آنجا که ما مدعی هستیم، هوش عاطفی یک واقعیت علمی است، پس در ارزیابی آن باید بتوانیم از استانداردهای مقبولیت علمی استفاده نمائیم. لذا با توجه به کاربرد وسیع آزمون هوش هیجانی بار-آن در مدارس، کلینیک ها و مراکز روان سنجی و جلوگیری از مقایسه نمره های کسب شده در این آزمون توسط افراد ایرانی با نمره های کشورهای دیگر هنجاریابی این آزمون ضروری به نظر می رسد. پس از ترجمه فرم اصلی توسط راحله سموعی در اصفهان (۱۳۸۲) که بر روی ۵۰۰ نفر از دانشجویان ۴۰-۱۸ ساله دانشگاههای آزاد و دولتی در دو جنس

هنجار یابی شد. این پرسشنامه از ۱۱۷ سؤال به ۹۰ سؤال تقلیل یافت. (به دلیل تکراری بودن بسیاری از سوالات). همچنین روایی صوری آن تایید شده و بعلاوه پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ ۰/۹۳ گزارش گردیده است.

پژوهش های خارجی

همه مطالعاتی که در این قسمت گزارش می شود، از پرسشنامه هوش هیجانی بار- آن برای ارزیابی هوش هیجانی آزمودنی ها استفاده کرده اند.

مطالعات مربوط به اعتباریابی پرسشنامه بار- آن

دکتر بار- آن به منظور هنجاریابی آزمون هوش هیجانی خود و به منظور دستیابی به اعتبار سازه آزمون، همبستگی آن را با آزمونهای دیگر که از کاربرد و مقبولیت بالایی برخوردارند بررسی کرده است. به علاوه این آزمون توسط بار- آن بر روی ۳۸۳۱ نفر از کشور آرژانتین، آلمان، هند، نیجریه و آفریقای جنوبی که ۴۸/۸ درصد آنان مرد و ۵۱/۲ درصد آن ها زن بودند اجرا شده و به طور سیستماتیک در آمریکای شمالی هنجاریابی گردید. نتایج نشان داد که آزمون از حد مناسبی از اعتبار و روایی برخوردار است. (سموعی، ۱۳۸۲).

مطالعات مربوط به رابطه هوش هیجانی و سایر آزمون های مرتبط

در بررسی رابطه هوش هیجانی با سلامت روان، بار- آن با همکاری دکتر ماریا گرایدو^۱، همبستگی بین داده های آزمون هوش هیجانی و نمرات بدست آمده از آزمون سلامت روان یا نشانگان مرضی SCL- 90 را مورد بررسی قرار دادند. این تحقیق بر روی نمونه ای متشکل از دانشجویان و دیگر اقشار مردم در آمریکای شمالی (آمریکا و کانادا) در سال ۱۹۹۹ به اجرا در آمد، نمرات بدست آمده حاکی از رابطه نیرومند و بسیار معنی داری بین هوش هیجانی و سلامت روان بود. در اینجا خلاصه این همبستگی ارائه شده است.

روان پریشی	پارانویا	فوبی	اضطراب	دگرسان بینی خود	وسواس	هوش هیجانی
-۰/۸۰	-۰/۸۸	-۰/۴۸	-۰/۷۵	-۰/۸۶	-۰/۷۹	

¹ - maria graydo.

در تحقیق مشابهی که به وسیله بار- آن و همکاران در آفریقای جنوبی انجام گرفت، با اندکی تغییر، نتایج مشابهی بدست آمد. در این تحقیق اگر چه میزان همبستگی ها کاهش نشان میداد، اما بطور کلی معنی دار بود. خلاصه نمرات همبستگی عبارتند از:

روان پریشی	پارانویا	فوبی	اضطراب	دگرسان بینی خود	وسواس	هوش
-۰/۳۷	-۰/۴۵	-۰/۲۳	-۰/۳۹	-۰/۴۳	-۰/۵۹	هیجانی

(رضوی، ۱۳۸۴)

آزمونی که الکسی تیمیا را می سنجد آزمون ۲۰ بخشی بنام TAS-20 می باشد (الکسی تیمیا به عنوان اختلال ناشی از هوش هیجانی پایین، به عبارتی یعنی اشکال و ناتوانی در تشخیص احساسات خود، توصیف آنها برای دیگران، فقدان توانایی در خیال پردازی و وجود یک نوع سبک شناختی سطحی است). در مطالعه ای که اخیراً برای بررسی رابطه بین الکسی تیمیا و پرسشنامه مقیاس بهر عاطفی بار- آن صورت گرفته، دیده شده است، که ضریب همبستگی بین اختلال الکسی تیمیا و هوش عاطفی بالا، معکوس و معنادار است. (سیاروچی و همکاران، ۲۰۰۱).

جمیز پارکر و مایکل بگبی^۱ به گرد آوری اطلاعات از ۷۳۴ نفر آزمودنی بزرگسال که در شهرکهای حومه آنتاریو زندگی میکردند، پرداختند. پس از جمع آوری و تحلیل اطلاعات و نتایج مشاهده شد، که نمره های حاصل از آزمون سنجش الکسی تیمیا بصورت منفی و معناداری با نمره های آنان در آزمون هوش هیجانی همبستگی دارد. $r=0.72$ (همان منبع).

استفان هارت^۲ و همکاران در مطالعه ای که بر روی یک گروه ۲۳۴ نفری از دانشجویان دانشگاه سیمون فریزر در بریتیش کلمبیا انجام شد، مشاهده نمودند، که اگر چه بین نمره های دانشجویان و نمره هایی که از افراد عادی بدست آمده همبستگی بالایی وجود ندارد، اما بین نمره های حاصل از آزمون سنجش الکسی تیمیا با نمره های حاصل از هوش بهر عاطفی و پنج نمره ی مقیاس های ترکیبی آن همبستگی منفی و معنادار وجود دارد. (رضوی، ۱۳۸۴).

¹ - Jeimsparker & maikel begbi.

² - Stephan hart.

مایر و سالوی (۱۹۹۷)

در پژوهشهایشان به این نتیجه رسیدند که افرادی که نمره بالایی در مقیاس آزمون سنجش الکسی تیمیا بدست می آورند. نمره پایینی در مقیاس حرمت نفس آزمون هوش هیجانی بدست می آورند، که نشان میدهد آنان احساس خودبستگی بالایی ندارند، و قادر به پذیرش خود نمی باشند. $r=0.43$ (دهشیری، ۱۳۸۲).

گروهی از پژوهشگران کانادایی دریافته اند که گروهی از افراد که براساس ملاک های DSM-IV-R به عنوان مبتلا به اختلال مرزی تشخیص داده شده اند، در مقایسه با گروه گواه که هیچ گونه اختلال روانی نداشته اند، بصورت معناداری در تشخیص و ابراز چهره‌ای عواطف، عقب تر و ناتوان تر هستند. ادعایی که مطالعات «بار- آن» آن را تایید می نماید. اگر فردی نمره پایینی در مقیاس هوش هیجانی داشته باشد احتمالاً نمره بالایی در مقیاس ابعاد شخصیت مرزی کسب خواهد کرد. (رضوی ۱۳۸۴).

مطالعات مربوط به رابطه هوش هیجانی و سایر سازه های روانشناختی

بلاک و بلاک^۱ (۱۹۸۰) با کاربرد ابزاری دریافتند که ابعاد مهم هوش هیجانی، اطمینان به خود، خوش بینی و تعادل هیجانی است. افرادی دارای هوش هیجانی بالا از خود کنترلی و خود انگیزی بالایی برخوردارند، زندگی شان معنادار است، مسئولیت پذیر هستند، عواطف خود را به درستی تعبیر و ابراز می کنند. قانع هستند، نسبت به دیگران حساس و مراقبند، زندگی هیجانی شان پر بار و متعادل است، با خودشان با دیگران و محیط اجتماعی شان راحتند، از لحاظ اجتماعی خود انگیزه و با نشاط بوده و تجارب جدید را می پذیرند. (همان منبع).

در پژوهشهایی که در آمریکا صورت گرفته بود، مشخص شد که دانش آموزانی که در درک پیامهای احساسی غیر کلامی دیگران توانایی بیشتری دارند، محبوب ترین و از لحاظ عاطفی باثبات ترین بچه های مدرسه بودند. اگر چه تعدادی از این بچه ها از لحاظ هوش هیجانی در سطح پایینی بوده اند، ولی معلمان کلاس علاقه خیلی زیادی به آنها نشان می دادند. (دهشیری، ۱۳۸۱).

¹ - Block & Block

در تحقیقی، برای بررسی ارتباط بین هوش عاطفی و عملکرد دانش آموزان، که در اسرائیل توسط ریوون بار-آن و در ایالات متحده، توسط بنیاد کودکان شمال شرقی صورت پذیرفت، یافته ها نشان می دهد، که یادگیری اجتماعی و عاطفی و هوش عاطفی اثرات مهمی بر تمامی ابعاد عملکرد دانش آموزان از جمله پیشرفت تحصیلی آنان دارند. (سیاروچی و همکاران، ۲۰۰۱).

پژوهش مختلفی که در آمریکای شمالی (با آزمودنی های بزرگسال) در سال ۱۹۹۷ اسرائیل (با آزمودنی های نوجوان) در سال ۲۰۰۰ و در هلند با آزمودنی های بزرگسال در سال ۱۹۹۹ صورت گرفت رابطه بین خود شکوفایی و عملکرد موفقیت آمیز در محیط کار، بهزیستی، و سلامت روانی را نشان می دهد. نتایج نشان دهنده ی همبستگی بالا و معنی داری بین هوش عاطفی و خود شکوفایی است. ضرایب همبستگی در مطالعه ی انجام شده در آمریکا ($r=0.75$) در اسرائیل ($r=0.72$) و در هلند ($r=0.71$) می باشد. در آزمودنی های اسرائیلی و هلندی بین هوش شناختی و خود شکوفایی رابطه ی معنا دار وجود ندارد. ($r=0.8$ و $r=0.2$). و این به بدین معنا است، که هوش عاطفی بهتر از هوش شناختی می تواند سبب شکوفاسازی استعدادهای بالقوه و رسیدن به اهداف متعالی در زندگی گردد. این یافته ها نشان می دهد، که عملکرد مطلوب تحصیلی که از طریق هوش بهر قابل ارزیابی است، نمی تواند پیش بینی کننده ی خوبی برای میزان موفقیت در زندگی پس از فارغ التحصیلی باشد. (دهشیری، ۱۳۸۳).

پول^۱ (۱۹۹۷) در مقاله ای عنوان کرد که هوش هیجانی عامل پیش بینی کننده ای برای موقعیت تحصیلی و شغلی است. وی با انجام مطالعه بر روی ۲۷ نفر از دانش آموزان، دریافت که میانگین نمره های تحصیلی دانش آموزان دارای هوش هیجانی بالا از میانگین نمره های تحصیلی دانش آموزان دارای هوش هیجانی پایین بطور معنا داری بهتر بود. (دهشیری، ۱۳۸۱).

پیترسون^۲ و همکاران (۱۹۹۸) با انجام مطالعه ای بر روی ۱۷۵ دانش آموز دبیرستانی با استفاده از آزمون هوش هیجانی بار-آن دریافتند که دانش آموزان باهوش هیجانی بالاتر در مدرسه، خانه و رابطه با دوستان نسبت به دانش آموزان با هوش هیجانی پایین تر کمتر شکست را تجربه می کنند. (همان منبع).

¹ - Pool.

² - Peterson.

در تحقیقی که توسط لاندو ویسلر^۱ (۱۹۹۸) انجام شد ارتباط بین بلوغ هیجانی (کنترل تکانش) هوش و خلاقیت در بچه های با استعداد را در ۲۲۱ بچه با استعداد در یک مدرسه خاص در اسرائیل می آزمود، این نتیجه بدست آمد، که هوش بالا و بلوغ هیجانی بچه ها بیشتر از خلاقیت و کمتر از بلوغ هیجانی بچه های با استعداد بود. (رشتی، ۱۳۸۵).

پژوهشگران در سال ۱۹۹۸ دریافتند که بین ویژگی برون گرایی و خوش رویی در پذیرفته شدن در شغل مورد علاقه ارتباط زیادی وجود دارد. به علاوه در پژوهشهای صورت گرفته مشخص شده بود که افراد موفق در محیط کار از لحاظ خودآگاهی، خود کنترلی و خود اعتمادی، خود اتحادی و نوآوری ۷ برابر نمره بیشتری نسبت به افراد ناموفق داشته اند. از اینرو ما می توانیم نتیجه بگیریم که خود کنترلی و مدیریت خود تا حدود زیادی می تواند، موفقیت شغلی را شکل دهند. (دهشیری، ۱۳۸۱).

در مطالعه ای رایس^۲ (۱۹۹۹) متخصص آمریکایی در زمینه منابع انسانی، مقیاس چند عاملی هوش هیجانی را روی ۱۶۴ نفر از کارکنان عادی و ۱۱ نفر از رهبران این کارکنان که در یک شرکت بیمه کار می کردند، اجرا کرده است و با این آزمون به ارزیابی هوش هیجانی آنان پرداخته است. نتیجه چنین بوده است، که همبستگی بین نمره های مربوط به گروه رهبران در آزمون هوش هیجانی با نمره های کارایی آنان که توسط مدیران اداره درجه بندی شده بود ($r=0/51$) محاسبه کردند. همبستگی بین میانگین نمره های گروه در آزمون هوش هیجانی و امتیاز بندی مدیران از عملکرد آنان در ارائه خدمات به مشتریان $r=0/46$ محاسبه شد. در این بررسی رابطه بین هوش هیجانی و عملکرد پیچیده بود. با امتیاز بندی مدیران از نظر دقت گروه، در رسیدگی به شکایات مشتریان، رابطه منفی ($r=0/35$) داشت، در حالی که عملکرد امتیاز بندی شده توسط گروه همبستگی مثبت و نسبتاً بالایی با هوش هیجانی بود، ($r=0/58$). (مختاری پور، ۱۳۸۱).

¹ - Landovicieler

² - rice.

جیل پاستوریا^۱ و همکاران ۲۰۰۰ در پژوهشهایشان نشان داده اند که مهارتها و تخصصها به تنهایی عملکرد درخشانی را آشکار نمی سازد، بلکه بیشتر سطوح بالای هوش هیجانی است، که منجر به موفقیت و پیشرفت می شود. هر چه شغل پیچیده تر باشد هوش هیجانی از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد بود. (رضوی، ۱۳۸۴).

استین و بوک^۲ (۲۰۰۰) یک گروه ۱۰۴ نفری از کارمندان مرکز منابع انسانی را براساس پنج عامل موجود در پرسشنامه هوش عاطفی بار-آن که به طور کلی به موفقیت در محیط کار مربوط می شود، (خود شکوفایی، شادکامی، خوش بینی، حرمت نفس و جرات ورزی) درجه بندی کرد. پنج عامل مربوط به گروه مشاوران و مدیران عبارت بود از: جرأت ورزی، خود آگاهی عاطفی، واقعیت آزمایی، خود شکوفایی و شادکامی، پنج عامل مربوط به گروه مهندسان عبارت بود از: خود شکوفایی، شادکامی، خوش بینی، همدلی و روابط بین فردی. هم چنین پژوهش جدیدی که توسط، گینگزبوری و راوس انجام شده نشان میدهد، که مدیریت عاطفه برای موفقیت در مصاحبه شغلی تأثیر زیادی دارد. (سیاروچی و همکاران، ۲۰۰۱).

تحقیقی که بوسیله نیکولا اسکات^۳ و همکاران (۲۰۰۱) انجام شد و بر هوش هیجانی و ارتباط میان فردی متمرکز بود، که نتایج رابطه بین هوش هیجانی و ارتباط میان فردی را تایید کرد. هم چنین پژوهشگران، هوش هیجانی را با هم حسی (همدلی) و کنترل و مراقبت خود (کنترل تکانش)، مهارتهای اجتماعی، همکاری، ارتباط با دیگران در رضایت زناشویی آزمون کردند و در پایان مطالعه، به برتری هوش هیجانی برای همسران دست یافتند. (همان منبع).

در تمام پژوهشهای انجام شده و نظریه های مختلف مطرح شده، از هوش هیجانی و مولفه های آن به عنوان یک عامل مهم و مؤثر در سلامت روانی، رضایت تحصیلی، رضایت زناشویی و سازگاری فردی و اجتماعی افراد یاد شده است. (رضوی، ۱۳۸۴).

¹ - jill pastoria.

² - stin & bock.

³ - Sckat.

پژوهش های داخلی

مطالعات مربوط به اعتباریابی پرسشنامه بار- اُن

منصوری (۱۳۸۰)

در پژوهشی به منظور هنجاریابی آزمون هوش هیجانی بار- اُن به نتایج زیر دست یافت، از ۱۳ عاملی که در ساختار عاملی نمونه آمریکای شمالی توسط بار- اُن بدست آمده بود تقریباً ۸ عامل آن (خودخرسندی، کنترل تکانه، خوشی یا لذت، حل مسأله، خودآگاهی، روابط بین فردی، مسئولیت پذیری و انعطاف پذیری) در نمونه دانشجویان ایران بدست آمد.

راحله سموعی (۱۳۸۲)

در پژوهشی تحت عنوان هنجاریابی پرسشنامه هوش هیجانی بار- اُن در بین دانشجویان اصفهان به این نتایج دست یافت، بعد از ترجمه فرم اصلی روایی صوری آن تایید شد. این پرسشنامه بدلیل تکراری بودن بسیاری از سوالات از ۱۱۷ سوال به ۹۰ سوال تقلیل یافت. پایایی این آزمون با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۳ بدست آورده شد. بنابراین پرسشنامه هوش هیجانی بار- اُن برای جامعه دانشجویان میتواند آزمونی مناسب جهت تعیین هوش هیجانی آنها باشد.

مارانی (۱۳۸۲)

در پژوهشی تحت عنوان هنجاریابی پرسشنامه ویژگیهای هوش عاطفی در بین دانشجویان و دانش آموزان دبیرستان شهر اصفهان که بر روی ۱۵۰ نفر از دانشجویان و ۱۵۰ نفر از دانش آموزان شهر اصفهان انجام شد، به نتایج زیر دست یافت، نتیجه تحلیل سوالات نشان داد که کلیه سوالات پرسشنامه رابطه مثبت و خوبی با نمرات کل پرسشنامه داشتند. ضریب پایایی پرسشنامه به شیوه آلفای کرونباخ ۰/۸۱ محاسبه شد. یافته ها نشان داد که هیچ رابطه معناداری بین پرسشنامه هوش عاطفی و ویژگیهای جمعیت شناختی اعم از سن، میزان تحصیلات والدین، تعداد فرزندان، میزان درآمد خانواده، و شغل پدر وجود ندارد. هم چنین تفاوت معنی داری بین میانگین نمرات هوش عاطفی زنان و مردان و دانشجویان و دانش آموزان وجود نداشت.

رشتی (۱۳۸۵)

در پژوهشی تحت عنوان بررسی رابطه هوش هیجانی با محبوبیت اجتماعی دختران نوجوان شهر یزد با استفاده از پرسشنامه هوش هیجانی بار- آن به نتایج زیر دست یافت، بین هوش عاطفی افراد محبوب و هوش هیجانی افراد مطرود تفاوت معنی داری ملاحظه می شود. تمام مولفه های هوش هیجانی با هوش هیجانی ضریب همبستگی بالایی دارند. ماتریس همبستگی مولفه های هوش هیجانی با همه مؤلفه های محبوبیت رابطه همبستگی معنا داری را نشان داد. و فقط رابطه دو مؤلفه استقلال و واقع گرایی با محبوبیت معنادار نبود. در ضمن چهار مؤلفه استقلال، خوش بینی خود آگاهی هیجانی و همدلی، دارای توانایی پیش بینی متغیر ملاک بودند، و استقلال بیشترین نقش را در پیش بینی محبوبیت داشت. پایایی به دست آمده برای آزمون هوش بهر عاطفی بار- آن در این تحقیق ۰/۹۲ گزارش گردیده است.

مطالعات مربوط به رابطه هوش هیجانی و سایر آزمون ها

تیرگری، اصغر نژاد، فرید، بیان زاده، عابدین (۱۳۸۳)

در پژوهشی به منظور مقایسه سطوح هوش هیجانی و رضا مندی زناشویی و رابطه ساختاری آنها در زوجین ناسازگار و سازگار شهرستان ساری در سال (۱۳۸۳) که ابزار پژوهش پرسشنامه بهر عاطفی بار- آن و پرسشنامه رضامندی زناشویی انریچ و مشخصه های جمعیت شناختی بود. یافته ها نشان داد، که نمره هوش هیجانی و رضا مندی زناشویی و همچنین نمرات مولفه های سازنده آنها، بین همسران ناسازگار و سازگار تفاوت معنی داری داشت. در بررسی رابطه بین هوش هیجانی و رضامندی زناشویی نتایج نشان داد، بین عوامل و مولفه های هوش هیجانی و سازگاری (رضامندی) زناشویی و تفاوت سطوح برخورداری از ظرفیتهای آن در همسران سازگار و ناسازگار رابطه وجود دارد. بنابراین کفایت هوش هیجانی زوجین به عنوان سازه ای بنیادین و اثرگذار، بر روند بهبود تقویت روابط زناشویی و رضامندی به شمار می رود. بنظر می رسد بتوان از طریق تصریح نقش هوش هیجانی در بهسازی روابط بین فردی و زناشویی با هدف کمک به همسران ناسازگار اقدامی مؤثر انجام داد.

حکیم جوادی، اژه ای (۱۳۸۳)

در پژوهشی به منظور مطالعه بررسی رابطه کیفیت وابستگی و هوش هیجانی در دانش آموزان تیز هوش و عادی با استفاده از پرسشنامه هوش هیجانی بار- آن (۱۹۹۷) و پرسشنامه کیفیت دلبستگی گرین برگ (۱۹۹۵) و آزمون بهره هوشی و- ام- ت- ای (۱۹۸۰). به نتایج زیر دست یافتند، که بین کیفیت دلبستگی و هوش هیجانی رابطه معنا داری وجود دارد. ترتیب ورود متغیرها به معادله رگرسیون گام به گام، در مورد گروه تیزهوش (بیگانگی از همسالان- اعتماد به مادر- بیگانگی از پدر- ارتباط اثر جنس) در هوش هیجانی بود. تحلیل واریانس چند عاملی، نشان از معناداری اثر گروه جنس به زیر مقیاسهای مقابله، حرمت خود پایدار، روابط بین فردی، خود آگاهی هیجانی و خود شکوفایی داشت. همچنین نشان داد که دلبستگی بیشتر تیز هوشان به همسالان و دلبستگی بیشتر گروه عادی به خانواده است افزون بر این دختران دارای هوش هیجانی بیشتری از پسران بودند و کیفیت هوش هیجانی پیش بینی کننده خوبی برای میزان هوش هیجانی بود.

ذراتی، رامین یزدی، آزاد فلاح (۱۳۸۵)

در پژوهشی به منظور بررسی رابطه هوش هیجانی و سبکهای دلبستگی که با استفاده از پرسشنامه هوش هیجانی بار- آن و پرسشنامه دلبستگی بزرگسالان هازن و شیور و پرسشنامه دلبستگی کولینز انجام شده و ۲۳۲ دانشجوی کارشناسی دانشگاه فردوسی آن را پاسخ دادند، بین سبک دلبستگی ایمن و هوش هیجانی رابطه مستقیم و معنا داری یافتند. سبک دلبستگی یا ایمن مضطرب دو سوگرا و سبک دلبستگی نا ایمن اجتماعی نیز با هوش هیجانی رابطه معکوس و معنا داری داشتند. همچنین مردان و زنان از نظر هوش هیجانی تفاوت معناداری نداشتند. هم چنین مشخص شد، که سبکهای دلبستگی می تواند پیش بینی کننده خوبی برای هوش هیجانی کلی و مولفه های آن باشد.

مطالعات مربوط به رابطه هوش هیجانی و سایر سازه های روانشناختی

زارع (۱۳۸۰)

در پژوهشی به منظور، مطالعه توان پیش بینی هوش هیجانی در موفقیت تحصیلی دانش آموزان. با استفاده از پرسشنامه هوش هیجانی بار- آن بین موفقیت تحصیلی و هوش هیجانی، همبستگی

معنا داری یافت و اظهار داشت که تنها ۴۸ درصد از واریانس کل موفقیت تحصیلی را هوش هیجانی تبیین می کند.

ترابی (۱۳۸۲)

در بررسی رابطه بین هوش هیجانی و عملکرد مدیران به نتایج زیر دست یافت، بین هوش هیجانی ۳ مورد از مولفه های آن یعنی خود آگاهی، خود انگیزی، مهارت های اجتماعی و عملکرد مدیران رابطه معناداری وجود دارد. و بین ۲ مولفه همدلی و خود کنترلی و عملکرد مدیران رابطه معناداری وجود ندارد.

اعتصامی (۱۳۸۲)

در پژوهش تحت عنوان مقایسه نقش های جنسیتی زنانه، مردانه، آندروژن و رابطه آنها با هوش هیجانی در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان به نتایج زیر دست یافت، بین هوش هیجانی در افراد با نقش های جنسیتی مردانه، زنانه و آندروژن تفاوت وجود دارد. بین میزان خود آگاهی در افراد با نقش های جنسیتی مردانه و آندروژن و خود آگاهی در افراد با نقش های جنسیتی زنانه و آندروژن تفاوت وجود دارد. بین میزان خود کنترلی در افراد و نقش های جنسیتی زنانه و افراد با نقش های جنسیتی آندروژن تفاوت وجود دارد. سایر یافته ها نشان می دهد که بین میزان مهارت اجتماعی در افراد با نقش های جنسیتی مردانه و آندروژن و میزان مهارت اجتماعی در افراد با نقش های جنسیتی زنانه و آندروژن تفاوت وجود دارد. اما تفاوتی بین خود انگیزی و همدلی در بین افراد با نقش های جنسیتی مردانه و آندروژن و زنانه و آندروژن مشاهده نمی شود.

شاره، اصغر نژاد، یزدان دوست، طباطبایی (۱۳۸۲)

در مطالعه ای تحت عنوان بررسی ارتباط مولفه های هوش هیجانی و ریسک فرار از منزل در دختران نوجوان مشهد، که با استفاده از پرسشنامه هوش هیجانی بار- آن و پرسشنامه ویژگی های شناختی ریسک فرار از منزل بر روی ۵۰۰ نفر از دانش آموزان دختر در مقطع متوسطه و پیش دانشگاهی مناطق ۷، ۵، ۲ شهر مشهد انجام شد، به نتایج زیر دست یافتند: یافته ها نشان داد که بین هوش هیجانی کلی و برخی از مولفه های آن شامل احترام به خود، شادکامی، و امنیت سنجی، خود آگاهی هیجانی و تحمل استرس، انعطاف پذیری، مهارت تکانه، مسئولیت پذیری اجتماعی و حل مساله با ریسک فرار دختران از منزل همبستگی منفی و معنی داری وجود دارد.

نتایج تحلیل رگرسیون به ترتیب، حاکی از نقش برجسته تر واقعیت سنجی، مهارت کنترل تکانه و شادکامی در پیش بینی ریسک فرار دختران از منزل بود. نهایتاً: تاثیر اجتماعی مولفه های هوش هیجانی بر ریسک فرار دختران از منزل حمایت می کند. مولفه موقعیت سنجی برجسته ترین متغیر در پیش بینی فرار دختران از منزل بود.

دیهیمی (۱۳۸۳)

در پژوهشی به منظور بررسی رابطه خلاقیت با هوش هیجانی، که با استفاده از پرسشنامه هوش هیجانی بار- آن صورت گرفت. به این نتیجه دست یافت، که بین هوش هیجانی و خلاقیت و نیز مولفه های سیالی، ابتکار، انعطاف پذیری و هوش هیجانی همبستگی وجود دارد. ولی بین مولفه انبساط و هوش هیجانی همبستگی وجود ندارد.

اسماعیلی (۱۳۸۳)

در پژوهشی تحت عنوان تاثیر آموزش مولفه های هوش هیجانی (آگاهی درون فردی، آگاهی بین فردی و مهارتها مقابله ای) بر افزایش سلامت روانی با استفاده از پرسشنامه هیجانی بار- آن. به این نتیجه دست یافت، که شیوه درمانی- آموزشی در ارتقا هوش هوش هیجانی شرکت کنندگان، مؤثر بوده، و نمره های مولفه های سلامت روانی کسب شده در پس آزمون نیز به طور معناداری نشانگر افزایش سلامت روانی اعضای گروه آزمایش بود.

فرقدانی (۱۳۸۳)

در پژوهشی تحت عنوان رابطه بین هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی دانشجویان دوره کارشناسی. با استفاده از پرسشنامه هوش هیجانی بار- آن به این نتیجه دست یافت، که بین متغیر هوش هیجانی و مولفه های آن (خود آگاهی، خود انگیزی، خود کنترلی، هوشیاری اجتماعی و مهارت های اجتماعی و سازگاری اجتماعی) دانشجویان دختر رابطه معناداری وجود دارد.

پزشکی (۱۳۸۳)

در پژوهشی، به عنوان بررسی و مقایسه هوش هیجانی در دانش آموزان دختر- کم بینا و بینای مقطع متوسط تهران با استفاده از آزمون هوش هیجانی بار- آن به این نتیجه دست یافت، که بین دو گروه از مولفه های هوش هیجانی تحمل فشار روانی و کنترل تکانه، حل مساله و روابط بین فردی تفاوت معناداری وجود ندارد.

رستمی (۱۳۸۳)

در پژوهشی به منظور بررسی رابطه وضعیت مذهبی با هوش هیجانی در دانش آموزان مقطع پیش دانشگاهی شهر تهران در سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳ که نمونه پژوهش شامل ۴۵۰ دانش آموز دختر و پسرش دانشگاهی از مناطق ۱۸ و ۱۱ و ۴ آموزش و پرورش شهر تهران بود. به نتایج زیر دست یافت، که وضعیت مذهبی دانش آموزان با هوش هیجانی آنان رابطه مثبت و معنادار دارد. هم چنین پژوهشها حاکی از آن است که هوش هیجانی با سلامت روانی سازگاری و اخلاقیات نیز مرتبط است.

نگه دار (۱۳۸۵)

در پژوهشی تحت عنوان بررسی رابطه هوش هیجانی و رضایت زناشویی در زوجین جوان استان یزد با استفاده از پرسشنامه هوش هیجانی بار-آن و پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ به نتایج زیر دست یافت، هوش هیجانی و رضایت زناشویی در زوجین به عوامل بسیاری ارتباط دارند از جمله سن، جنس تحصیلات و... یافته ها نشان دادند که هر چند بین متغیرهای مذکور رابطه وجود دارد، ولی براساس جنس متفاوت است. به عبارتی رابطه آنها در زنان استنباط می شود ولی در بین مردان این رابطه برقرار نمی باشد.

فصل سوم

روش شناختی تحقیق

مقدمه

در این فصل به موضوعات روش تحقیق جامعه آماری و نمونه و روش نمونه گیری، ابزار نمونه گیری و معرفی روش های آماری مورد استفاده پرداخته شده است.

روش تحقیق

تصمیم گیری در مورد روش تحقیق بستگی به هدف تحقیق، ماهیت مسئله مورد مطالعه و روشهای مختلف بررسی آن دارد. پس روش تحقیق باید با توجه به مسئله مورد مطالعه انتخاب شود. (دلاور، ۱۳۷۶).

با توجه به اهمیت این پژوهش که هنجاریابی پرسشنامه ۱۵ عاملی بار- آن است. این پژوهش از نوع پژوهش توصیفی محسوب می شود. که در آن توزیع پاسخ های گروه نمونه به سؤالات این پرسشنامه از لحاظ شاخص های روان سنجی مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار می گیرد.

جامعه آماری و حجم نمونه و روش نمونه گیری

جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش آموزان پیش دانشگاهی (دو جنس) که در سال تحصیلی ۱۳۸۶-۸۷ در ناحیه دو آموزش و پرورش شهر یزد مشغول به تحصیل می باشند را شامل می شود. حجم جامعه برابر ۲۰۵۸ نفر می باشد که از ۶۴۰ نفر پسر و ۱۴۱۸ نفر دختر تشکیل شده است.

حجم نمونه و روش نمونه گیری

حجم نمونه ۵۰۰ نفر می باشد که این حجم با توجه به روش آماری مورد استفاده (تحلیل عاملی) و رعایت تناسب حجم نمونه با تعداد سؤالات پرسشنامه (پنج به یک) تعیین شده است. به طور کلی هرچه حجم نمونه در اینگونه تحلیل ها بیشتر باشد، ساختار عاملی با قدرت بیشتری

استخراج می شود. بنابراین با توجه به توزیع متفاوت دانش آموزان در رشته های مختلف و جنسیت آنها تعداد نمونه نیز به همان نسبت متفاوت انتخاب گردیده که ۱۵۶ نفر پسر و ۳۴۴ نفر دختر می باشند.

دانش آموزان پسر	ریاضی		تجربی		انسانی		هنر	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
	۷۱	۴۵	۴۶	۲۹/۴۸	۳۳	۲۱/۱۵	۶	۳/۸۶

دانش آموزان دختر	ریاضی		تجربی		انسانی		هنر	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
	۱۰۰	۲۹/۰۶	۱۴۲	۴۱/۲۷	۹۹	۲۸/۷۷	۳	۰/۸۶

روش نمونه گیری: خوشه ای

نمونه گیری بدین ترتیب انجام گرفته که بعد از انتخاب ناحیه دو آموزش و پرورش از اداره آموزش و پرورش ناحیه دو فهرست دبیرستان های دخترانه و پسرانه درخواست گردید و چند دبیرستان به طور تصادفی انتخاب شده و دو یا سه کلاس از هر دبیرستان انتخاب گردید. (تصادفی) و کلیه دانش آموزان این کلاس ها پرسشنامه را تکمیل کرده اند.

ابزار پژوهش

پرسشنامه هوش هیجانی بار- آن جهت سنجش هوش هیجانی استفاده شد. که توسط بار- آن در سال ۱۹۸۸ میلادی ساخته شده است، ترجمه و هنجاریابی این پرسشنامه توسط راحله سموعی

در اصفهان صورت گرفته است. همچنین فرم اصلی ۱۱۷ سوال داشته، که در ایران پس از کار
هنجاریابی به ۹۰ سوال تقلیل یافته است. در این پژوهش پرسشنامه کوتاه شده (۹۰ سوالی) اجرا
گردید. پاسخ هر سوال چهارگزینه ای بوده است و در یک مقیاس پنج درجه ای ارائه شد. شیوه
نمره گذاری به گونه ای بود که در بعضی از سوالات بصورت مستقیم و در بعضی به صورت
معکوس انجام می پذیرفت. در مورد پایایی فرم ترجمه شده در اصفهان باید گفته شود که از
طریق محاسبه آلفای کرونباخ میزان آن برای کل آزمون ۰/۹۳ گزارش گردیده و با روش زوج
فرد، پایایی ۰/۸۸ گزارش شده که معنا دار بوده است. (روایی و پایایی اصلی در ضمائم میباشد).
روش اجرای تحقیق

پس از گرفتن معرفی نامه از دانشگاه جهت آموزش و پرورش کل به آنجا مراجعه شد و از این
سازمان برای آموزش و پرورش ناحیه دو معرفی نامه دریافت گردید. پس از آن جهت مراجعه به
مدارس معرفی نامه ای داده شد، که با مدارس مربوطه تماس گرفته و در زمان معین مراجعه
گردید. تعداد کلاسها مورد نظر مشخص گردید و سپس پرسشنامه ها به آزمودنی ها ارائه و برای
آنها مراتب لازم توضیح داده شد. تکمیل هر پرسشنامه حدود ۲۰ دقیقه به طول می انجامید. که
در نهایت ۶۰۰ پاسخنامه دریافت شده که نزدیک به ۸۰ پاسخنامه فاقد ارزش و کارایی بود.
روش تجزیه و تحلیل داده ها

پس از اجرای پرسشنامه روی گروه نمونه، اطلاعات به دست آمده طی مراحل زیر مورد تجزیه و
تحلیل قرار می گیرد.

- محاسبه پایایی کل پرسشنامه و مقیاس های آن به ترتیب.

- بررسی توزیع پراکندگی پاسخ ها به هر سؤال و بازنگری ضریب همبستگی هر سؤال با کل پرسشنامه و هر سؤال با نمره کل مقیاس به منظور شناسایی سؤالات دارای پاسخ های کرانه ای و حذف آنها.

- انجام تحلیل عاملی با روش مؤلفه های اصلی و استفاده از چرخش عامل ها به روش واریماکس جهت تعیین ساختار عاملی پرسشنامه و سؤالات ذیل هر عامل. گفتنی است در این مرحله نیز برخی از سؤالات به دلایل قرارنگرفتن تحت عوامل یا نداشتن بارعاملی معنادار حذف می شوند.

- تشکیل ساختار عاملی پرسشنامه و ترکیب جدید آن.

- محاسبه پایایی کل و پایایی مقیاس ها در ساختار جدید.

- بررسی تفاوت نمرات هوش هیجانی دانش آموزان به تفکیک رشته تحصیلی و جنسیت.

فصل چهارم

تجزیه و تحلیل اطلاعات

مقدمه

در این بخش جهت بررسی کلاسهای اعتباریابی آزمون هوش هیجانی بار - ان در بین جمعیت دانش آموزی ناحیه دو آموزش و پرورش یزد، پس از اجرای آزمون در یک گروه ۵۰۰ نفری، جهت بررسی پایایی کل آزمون همسانی درونی و پایایی خرده مقیاسها و همچنین روایی سازه پرسشنامه از شاخصهای زیر استفاده شده است:

- ۱- ماتریس همبستگی سؤالات با کل قبل از تحلیل
- ۲- ماتریس همبستگی خرده مقیاسها قبل از تحلیل
- ۳- پایایی کل آزمون
- ۴- پایایی درونی مقیاسهای پرسشنامه هوش هیجانی
- ۵- شاخصهای توصیفی خرده مقیاس و میانگین کل
- ۶- ماتریس همبستگی نمرات کل خرده مقیاسها با هم و با نمره کل
- ۷- برونداد تحلیل عوامل به روش واریماکس
- ۸- آزمون T تفاوت بین دختر و پسر
- ۹- آزمون f رابطه رشته تحصیلی با نمره هوش هیجانی و در آخر نتیجه نهایی تحلیل پرسشنامه ارائه می شود.

۱- ماتریس همبستگی سؤالات آزمون با هم و با نمره کل

همبستگی بین نمرات (۹۰ سؤال) با هم و با نمره کل آزمون طی یک ماتریس مفصل محاسبه شده است که اصل خروجی برنامه SPSS در بخش ضمیمه ارائه شده است. چون از این ماتریس جهت بررسی همسانی درونی سؤالات با هم و همبستگی هر سؤال با نمره کل استفاده میشود. پس از ملاحظه ضرایب و معناداری آنها، نتیجه این بوده که سؤالات شماره های ۱ و ۳ و ۱۳ و ۵۹ و ۶۵ و ۸۸ (در مجموع ۶ سؤال) به دلیل عدم همبستگی کامل با نمره کل و یا همبستگی ضعیف و پراکنده با اکثر سؤالات دیگر می تواند در ادامه تحلیل از سؤالات حذف شود.

۲- ماتریس همبستگی خرده مقیاسها قبل از تحلیل

در این بخش ماتریس همبستگی عبارتها و هر مقیاس به طور جداگانه بررسی و به ترتیب نتایج زیر به دست آمده است.

جدول ۱: ماتریس همبستگی عبارتهای خرده مقیاس حل مسأله

۷۶	۶۱	۴۶	۳۱	۱۶	۱	
۰/۱۳**	-۰/۰۲	۰/۱*	۰/۰۵	۰/۱۱**	۱	سؤال ۱
۰/۰۷	۰/۰۴	۰/۱۶**	۰/۰۸	۱		سؤال ۱۶
۰/۲۷**	۰/۰۹*	۰/۲۲**	۱			سؤال ۳۱
۰/۲۷**	۰/۰۵	۱				سؤال ۴۶
۰/۱*	۱					سؤال ۶۱
۱						سؤال ۷۶

جدول ۲: ماتریس همبستگی عبارتهای خرده مقیاس خوشبختی

۷۷	۶۲	۴۷	۳۲	۱۷	۲	
۰/۲۵**	۰/۱۱**	۰/۱۵**	۰/۱۹**	۰/۱۳**	۱	سؤال ۲
۰/۵۴**	۰/۱۷**	۰/۱۳**	۰/۲۲**	۱		سؤال ۱۷
۰/۶۱**	۰/۳۷**	۰/۱۷**	۱			سؤال ۳۲
۰/۱۷**	۰/۲۴**	۱				سؤال ۴۷
۰/۱۷**	۱					سؤال ۶۲
۱						سؤال ۷۷

جدول ۳: ماتریس همبستگی عبارتهای خرده مقیاس استقلال

۷۸	۶۳	۴۸	۳۳	۱۸	۳	
۰/۰۹*	۰/۰۴	۰/۰۹*	۰/۱۵**	۰/۰۸	۱	سؤال ۳
۰/۱۷**	۰/۲۶**	۰/۱۶**	۰/۱۵**	۱		سؤال ۱۸
۰/۱۴**	۰/۲۱**	۰/۱۴**	۱			سؤال ۳۳
۰/۱۵**	۰/۲۹**	۱				سؤال ۴۸
۰/۲**	۱					سؤال ۶۳
۱						سؤال ۷۸

جدول ۴: ماتریس همبستگی عبارتهای خرده مقیاس تحمل فشار روانی

۷۹	۶۴	۴۹	۳۴	۱۹	۴	
۰/۲**	۰/۱۵**	۰/۱۵**	۰/۱۱**	۰/۱*	۱	سؤال ۴
۰/۱۱**	۰/۱۸**	۰/۲۵**	۰/۲۸**	۱		سؤال ۱۹
۰/۳۲**	۰/۲۷**	۰/۱۷**	۱			سؤال ۳۴
۰/۱۶**	۰/۱۶**	۱				سؤال ۴۹
۰/۲**	۱					سؤال ۶۴
۱						سؤال ۷۹

جدول ۵: ماتریس همبستگی عبارتهای خرده مقیاس خود شکوفایی

۸۰	۶۵	۵۰	۳۵	۲۰	۵	
۰/۲۳**	۰/۰۸	۰/۱۱*	۰/۱۶**	۰/۰۹*	۱	سؤال ۵
۰/۱۳**	۰/۰۴	۰/۱*	۰/۲۵**	۱		سؤال ۲۰
۰/۳**	۰/۰۲	۰/۱۸**	۱			سؤال ۳۵
۰/۱۵**	۰/۰۴	۱				سؤال ۵۰
-۰/۰۵	۱					سؤال ۶۵
۱						سؤال ۸۰

جدول ۶: ماتریس همبستگی عبارتهای خرده مقیاس خودآگاهی هیجانی

۸۱	۶۶	۵۱	۳۶	۲۱	۶	
۰/۱*	۰/۱۸**	۰/۱۸**	۰/۰۷	۰/۰۰۴	۱	سؤال ۶
۰/۹*	۰/۳	۰/۰۳	۰/۱۲**	۱		سؤال ۲۱
۰/۲۲**	۰/۰۸*	۰/۱۵**	۱			سؤال ۳۶
۰/۰۵	۰/۲۵**	۱				سؤال ۵۱
۰/۰۰۲	۱					سؤال ۶۶
۱						سؤال ۸۱

جدول ۷: ماتریس همبستگی عبارتهای خرده مقیاس واقع گرایی

۸۲	۶۷	۵۲	۳۷	۲۲	۷	
۰/۰۲	۰/۱۲**	۰/۱۹**	۰/۰۸*	۰/۱*	۱	سؤال ۷
۰/۱۶**	۰/۲	۰/۱۴**	۰/۰۸*	۱		سؤال ۲۲
۰/۸	۰/۰۹*	۰/۱۷**	۱			سؤال ۳۷
۰/۰۷	۰/۱۱**	۱				سؤال ۵۲
۰/۰۳	۱					سؤال ۶۷
۱						سؤال ۸۲

جدول ۸: ماتریس همبستگی عبارتهای خرده مقیاس روابط بین فردی

۸۳	۶۸	۵۳	۳۸	۲۳	۸	
۰/۱۶**	۰/۳۷**	۰/۲۷**	۰/۰۵	۰/۳۵**	۱	سؤال ۸
۰/۲۱**	۰/۳۲**	۰/۲۸**	۰/۱۴**	۱		سؤال ۲۳
۰/۰۹*	۰/۱۱**	۰/۱۵**	۱			سؤال ۳۸
۰/۲۴**	۰/۲۵**	۱				سؤال ۵۳
۰/۱۹**	۱					سؤال ۶۸
۱						سؤال ۸۳

جدول ۹: ماتریس همبستگی عبارتهای خرده مقیاس خوش بینی

۸۴	۶۹	۵۴	۳۹	۲۴	۹	
۰/۱*	۰/۲۱**	۰/۰۱	۰/۳۴**	۰/۲۲**	۱	سؤال ۹
۰/۲**	۰/۲۱**	۰/۰۰۲	۰/۳۳**	۱		سؤال ۲۴
۰/۲**	۰/۱۷**	۰/۰۱	۱			سؤال ۳۹
۰/۰۱	۰/۰۰۶	۱				سؤال ۵۴
۰/۰۱	۱					سؤال ۶۹
۱						سؤال ۸۴

جدول ۱۰: ماتریس همبستگی عبارتهای خرده مقیاس عزت نفس

۸۵	۷۰	۵۵	۴۰	۲۵	۱۰	
۰/۱۵**	۰/۱۴**	۰/۱۱**	۰/۱۶**	۰/۲۱**	۱	سؤال ۱۰
۰/۹*	۰/۰۹*	۰/۲۱**	۰/۱۷**	۱		سؤال ۲۵
۰/۰۷	۰/۱*	۰/۱۲**	۱			سؤال ۴۰
۰/۱*	۰/۱۴**	۱				سؤال ۵۵
۰/۲۶**	۱					سؤال ۷۰
۱						سؤال ۸۵

جدول ۱۱: ماتریس همبستگی عبارتهای خرده مقیاس کنترل تکانش

۸۶	۷۱	۵۶	۴۱	۲۶	۱۱	
۰/۳۲**	۰/۲۷**	۰/۱۲**	۰/۱۳**	۰/۳**	۱	سؤال ۱۱
۰/۲۹**	۰/۲۴**	۰/۱۹**	۰/۱۴**	۱		سؤال ۲۶
۰/۲۵**	۰/۱۹**	۰/۰۹*	۱			سؤال ۴۱
۰/۲۱**	۰/۲۲**	۱				سؤال ۵۶
۰/۴۳**	۱					سؤال ۷۱
۱						سؤال ۸۶

جدول ۱۲: ماتریس همبستگی عبارتهای خرده مقیاس انعطاف پذیری

۸۷	۷۲	۵۷	۴۲	۲۷	۱۲	
۰/۰۳	۰/۰۸	۰/۰۶	۰/۰۵	۰/۱۵**	۱	سؤال ۱۲
۰/۰۵	۰/۰۹	۰/۰۶	۰/۰۷	۱		سؤال ۲۷
۰/۰۵	۰/۱۶**	۰/۱	۱			سؤال ۴۲
۰/۱۳**	۰/۱۵**	۱				سؤال ۵۷
۰/۱۵**	۱					سؤال ۷۲
۱						سؤال ۸۷

جدول ۱۳: ماتریس همبستگی عبارتهای خرده مقیاس مسئولیت پذیری

۸۸	۷۳	۵۸	۴۳	۲۸	۱۳	
۰/۰۲	۰/۱۴**	۰/۰۳	۰/۲**	۰/۲۲**	۱	سؤال ۱۳
۰/۰۳	۰/۰۶	۰/۰۲	۰/۰۴	۱		سؤال ۲۸
۰/۰۲	۰/۱۶**	۰/۰۰۷	۱			سؤال ۴۳
۰/۰۷	۰/۰۶	۱				سؤال ۵۸
۰/۱۵**	۱					سؤال ۷۳
۱						سؤال ۸۸

جدول ۱۴: ماتریس همبستگی عبارتهای خرده مقیاس همدلی

۸۹	۷۴	۵۹	۴۴	۲۹	۱۴	
۰/۱۱**	۰/۰۹*	۰/۰۶	۰/۰۷	۰/۱۸**	۱	سؤال ۱۴
۰/۱۸**	۰/۱*	۰/۷	۰/۱۷**	۱		سؤال ۲۹
۰/۰۶	۰/۱۹**	۰/۱۴**	۱			سؤال ۴۴
۰/۰۰۷	۰/۱۱*	۱				سؤال ۵۹
۰/۱۹**	۱					سؤال ۷۴
۱						سؤال ۸۹

جدول ۱۵: ماتریس همبستگی عبارتهای خرده مقیاس خود ابرازی

۹۰	۷۵	۶۰	۴۵	۳۰	۱۵	
۰/۱۵**	۰/۱۵**	۰/۲۱**	۰/۱۳**	۰/۱۸**	۱	سؤال ۱۵
۰/۲۶**	۰/۱۵**	۰/۱۳**	۱۳**	۱		سؤال ۳۰
۰/۰۷	۰/۱۴**	۰/۱۲**	۱			سؤال ۴۵
۰/۰۱	۰/۰۹*	۱				سؤال ۶۰
۰/۱۳**	۱					سؤال ۷۵
۱						سؤال ۹۰

نتیجه ماتریس های همبستگی خرده مقیاسها

با مرور کلی جداول فوق، مشخص می گردد که براساس نتایج تحلیل های قبلی و نوع پاسخهای گروه نمونه تحقیق، برخی عبارتها در هر مقیاس دارای همبستگی معناداری با سایر عبارتهای همان مقیاس نمی باشند که در مراحل بعدی بررسی عبارتهای مذکور که در مراحل بررسی پایایی درونی نیز همبستگی درونی کمی نشان دهند، از مجموعه تحلیل حذف خواهند شد.

۳- محاسبه پایایی کل آزمون

پایایی اولیه آزمون با روش آلفای کرونباخ محاسبه شده و ضریب پایایی برابر با ۰/۸۳ به دست آمده است؛ جدول شاخصهای کل سؤالات و ستون ضریب الفا نشان می دهد که ضریب پیشنهادی ارائه شده برای برخی عبارات به شرط حذف آنها بیشتر از مقدار آلفای کرونباخ اولیه می باشد. برخی از این سؤالات براساس ماتریس همبستگی و برخی در مراحل بعد از جریان تحلیل حذف شده اند. سؤالات حذف شده براساس این رویه عبارت های شماره ۵۸ و ۵۴ و ۲۱ و ۶۵ و ۳ و ۱ می باشد. سؤالات حذف شده براساس ماتریس همبستگی کل ۸۸ و ۶۵ و ۵۹ و ۱۳ و ۳ و ۱ می باشد. ضعیف ترین سؤالات از این جهت در محاسبات بعدی جهت بررسی پایایی جداگانه برای هر مقیاس، حذف شده است و با حذف سؤالات مذکور مجدداً ضریب پایایی کل آزمون محاسبه شده و ضریب پایایی کل برابر با ۰/۸۴ به دست آمد.

۴- تحلیل پایایی درونی مقیاسهای پرسشنامه هوش هیجانی

در مرحله بعد با در نظر گرفتن ماتریس همبستگی بین سؤالات پرسشنامه و ضعف همبستگی درونی برخی سؤالات در مقیاسهای مربوطه، ضریب پایایی هر مقیاس با حذف سؤالات ضعیف بررسی گردید که نتیجه نهایی به شرح زیر ارائه می گردد^۱.

جدول شماره ۱۶: پایایی مقیاسهای هوش هیجانی و سؤالات تحت هر عامل

ردیف	نام عامل	سؤالات ذیل هر عامل	ضریب پایایی
۱	حل مسأله	۷۶ و ۶۱ و ۴۶ و ۳۱ و ۱۶	۰/۴۴
۲	شادمانی	۷۷ و ۶۲ و ۴۷ و ۳۲ و ۱۷ و ۲	۰/۵۹
۳	استقلال	۷۸ و ۶۳ و ۴۸ و ۳۳ و ۱۸	۰/۵۴
۴	تحمل فشار روانی	۷۹ و ۶۴ و ۴۹ و ۳۴ و ۱۹ و ۴	۰/۵۹
۵	خودشکوفایی	۸۰ و ۵۰ و ۳۵ و ۲۰ و ۵	۰/۵۱
۶	خودآگاهی هیجانی	۸۱ و ۶۶ و ۵۱ و ۳۶ و ۶	۰/۴۳
۷	واقع گرایی	۸۲ و ۶۷ و ۵۲ و ۳۷ و ۲۲ و ۷	۰/۴۰
۸	روابط بین فردی	۸۳ و ۶۸ و ۵۳ و ۳۸ و ۲۳ و ۸	۰/۶۲
۹	خوش بینی	۸۴ و ۶۹ و ۳۹ و ۲۴ و ۹	۰/۵۵
۱۰	عزت نفس	۸۵ و ۷۰ و ۵۵ و ۴۰ و ۲۵ و ۱۰	۰/۴۹
۱۱	کنترل تکانش	۸۶ و ۷۱ و ۵۶ و ۴۱ و ۲۶ و ۱۱	۰/۶۴
۱۲	انعطاف پذیری	۸۶ و ۷۲ و ۵۷ و ۴۲ و ۲۷ و ۱۲	۰/۳۷
۱۳	مسئولیت پذیری اجتماعی	۱۳ و ۷۳ و ۴۳ و ۲۸	۰/۳۸
۱۴	همدلی	۸۹ و ۷۴ و ۵۹ و ۴۴ و ۲۹ و ۱۴	۰/۴۴
۱۵	خودآبرازی	۹۰ و ۷۵ و ۶۰ و ۴۵ و ۳۰ و ۱۵	۰/۴۹

۵- شاخصهای توصیفی خرده مقیاسها و میانگین کل هوش هیجانی

از شاخصهای توصیفی مقیاسهای مختلف که اصل آن در قسمت ضmannم موجود است فقط میانگین نمرات و انحراف معیار گزارش می شود.

جدول شماره ۱۷: شاخصهای توصیفی خرده مقیاسها و میانگین کل و انحراف معیار

	شاخص	میانگین	انحراف معیار
	کل مقیاس	۳/۳۸	۰/۳۲
۱	حل مسأله	۳/۵	۰/۵۷
۲	خوشبختی	۳/۷	۰/۶۴
۳	استقلال	۳/۲	۰/۶۵
۴	تحمل فشار روانی	۲/۸	۰/۶۳
۵	خود شکوفایی	۳/۴	۰/۶۵
۶	خودآگاهی هیجانی	۳/۵	۰/۵۳
۷	واقع گرایی	۱۵/۲	۳/۲۰
۸	روابط بین فردی	۳/۷	۰/۶۳
۹	خوش بینی	۳/۴	۰/۶۷
۱۰	عزت نفس	۳/۵	۰/۵۹
۱۱	کنترل تکانش	۲/۷	۰/۷۵
۱۲	انعطاف پذیری	۲/۹	۰/۵۷
۱۳	مسئولیت پذیری	۴/ ۱	۰/۶۱
۱۴	همدلی	۴	۰/۵۵
۱۵	خودآزار	۳	۰/۶۳

با توجه به جدول تنها میانگینی که با میانگین کل فاصله دار است و دارای انحراف معیار زیادی است خرده مقیاس واقع گرایی می باشد و خرده مقیاس استقلال و خودشکوفایی و خوش بینی

به میانگین کل بسیار نزدیک بوده اند. خرده مقیاس خودآگاهی هیجانی دارای کمترین انحراف معیار از کل مقیاس بوده است.

۶- ماتریس همبستگی کل خرده مقیاسها با هم و نمره کل

بیشترین همبستگی با نمره کل را خرده مقیاس خودشکوفایی دارا می باشد (۰/۷۲) و کمترین ضریب همبستگی را با میانگین کل متعلق به خرده مقیاس احساس مسئولیت می باشد (۰/۳۲). همچنین کل مقیاسها با هم رابطه معناداری دارند به غیر از مقیاسهای واقع گرایی روابط بین فردی پذیرش مسئولیت و همدلی و انعطاف پذیری که با خرده مقیاسهای دیگر رابطه معناداری ندارند^۱.

جدول ۱۸: ضرایب همبستگی خرده مقیاسها با نمره کل پرسشنامه

نام عامل	ضریب همبستگی				
حل مسأله	$r = 0/52^{**}$	خودآگاهی هیجانی	$r = 0/59^{**}$	کنترل تکانش	$0/44^*$
شادمانی	$r = 0/61^{**}$	واقع گرایی	$r = 0/48^*$	انعطاف پذیری	$0/51^{**}$
استقلال	$r = /58^{**}$	روابط بین فردی	$0/53^{**}$	مسئولیت پذیری	$0/32^{**}$
تحمل فشار روانی	$0/68^*$	خوش بینی	$0/64^{**}$	همدلی	$0/39^*$
خودشکوفایی	$0/72^{**}$	عزت نفس	$0/63^{**}$	خودابزاری	$0/56^{**}$

نتایج جدول فوق نشان می دهد که بین میانگین نمره هر یک از مقیاسها و میانگین نمره کل آزمون رابطه مستقیم و معنی دار وجود دارد یعنی تمام مقیاسهای موجود در آزمون با متغیر هوش هیجانی دارای ارتباط مستقیم است.

۷- تحلیل عوامل به روش مؤلفه های اصلی و چرخش واریماکس

پس از حذف سؤالاتی که دارای همبستگی معنادار با کل سؤالات نبوده (سؤالات ۱ و ۳ و ۱۳ و ۵۹ و ۶۵ و ۸۸) و یا سؤالاتی که در محاسبه پایایی آزمون و خرده مقیاسها از آزمون حذف شدند (سؤالات ۱ و ۳ و ۶۵ و ۲۱ و ۵۴ و ۵۸) تحلیل عوامل آزمون انجام شد و نتایج به شرح زیر ملاحظه می شود. در مرحله نخست براساس مقدار ضریب به دست آمده آزمونهای کایزر -

مایر - اوکلین (آزمون K_{mo}) (۰/۶۹) است. نشان می دهد که چون این مقدار بیش از ۰/۵ است بنابراین حجم نمونه انتخابی (۵۰۰ نفر) برای انجام تحلیل عامل مناسب بوده است. آزمون دوم آزمون کرویت بارتلت است که سطح معناداری کمتر از ۰/۰۰۱ نشان میدهد که مجموعاً داده ها تناسب لازم جهت انجام تحلیل عوامل را دارند و مقدار Si_g (سطح معنادار) در این آزمون نیز $0/001 <$ به دست آمده است. در بخش دیگر تحلیل میزان تبیین واریانس کل آزمون توسط هر یک از سؤالات سنجیده می شود. مثلاً سؤال ۲ (۰/۵۶) واریانس کل آزمون را تبیین می کند. که بیشترین توان تبیین واریانس کل متعلق به سؤال ۴۵ می باشد و کمترین توان تبیین واریانس کل متعلق به سؤال ۶۷ می باشد. مقدار ضریب تبیین برای سؤالات بین ۰/۵۵ تا ۰/۷۰ می باشد و حدود ۰/۲ متغیر است^۱.

- در مرحله بعد تحلیل مؤلفه های به روش تحلیل مؤلفه های اصلی و مقادیر ارزش ویژه نشان می دهد که برنامه مجموعه سؤالات را تحت ۲۹ مؤلفه مجزا که دارای ارزش ویژه بالاتر از ۱ بوده اند قرار داده است و مجموع واریانس تبیین توسط این مؤلفه ها ۶۱/۹ بوده است.

- در مرحله بعد چرخش سؤالات و محورها جهت تحلیل عوامل انجام شد که برنامه در ارائه عوامل و بارگذاری سؤالات تحت عوامل مختلف موفق نبود. دلایل مختلفی برای این موضوع می توان ذکر کرد.

- تعداد زیاد سؤالات

- زمان کم برای پاسخگویی به سؤالات

- نامناسب بودن سؤالات برای این گروه سنی

- غیرواقعی بودن ارزیابی دانش آموزان از خود (ایده آل ارزیابی کردن آزمودنیها از خود)

- پایین بودن دقت پاسخ گویی آزمودنیها و یا جدی نگرفتن همکاری کردن با محقق و ...

فرضیه های تحقیق

فرضیه ۱- بین هوش هیجانی دختران و پسران تفاوت وجود ندارد.

مقدار t	درجه آزادی	سطح معنادار	
۱/۲	۴۹۸	۰/۲	هوش هیجانی

چون سطح معناداری بزرگتر از ۰/۰۵ است و مقدار T از T بحرانی برای $d_f = 498$ کوچکتر است، بنابراین فرضیه صفر رد نمی شود. یعنی تفاوتی بین پسران و دختران از لحاظ هوش هیجانی نیست. میانگین این دو گروه هم نزدیک به هم (۳/۴ و ۳/۳) می باشد.

فرضیه ۲- بین هوش هیجانی دانش آموزان رشته های مختلف تفاوت وجود ندارد. این فرضیه با روش تحلیل وریانس یک طرفه انجام شده و سطح معناداری آزمون چون بالاتر از ۰/۰۵ است. (۰/۰۷). بنابراین ضریب f بدست آمده (۲/۳۳) در مقایسه با ضریب f جدول (۴۹۶ و ۳ ب f) کوچکتر است. بنابراین، فرضیه صفر رد نمی شود. یعنی تفاوتی بین رشته های مختلف از لحاظ سطح هوش هیجانی نیست.

نتیجه نهایی تحلیل پرسشنامه

براساس کل تحلیل های انجام شده، می توان گفت از مجموعه فرم ۹۰ سؤالی پرسشنامه هوش هیجانی بار آن، با حذف عبارتهای شماره های ۱ و ۳ و ۶۵ و ۲۱ و ۵۴ و ۸۸ و ۵۸، تعداد کل این عبارات به ۸۳ ماده می رسد که براساس تحلیل انجام شده در جامعه دانش آموزی یزد، عبارات حذف شده دارای همبستگی درونی قابل قبول نبوده اند. به همین ترتیب از آنچه در مطالعه سموعی (۱۳۸۲) ۹۰ سؤال به دست آمده بود و تحت هر مقیاس ۶ عبارت قرار گرفته بود در این مطالعه به شرحی که گذشت تعداد عبارتهای زیر بعضی از عوامل کمتر شده است.

فصل پنجم

بحث و نتیجه گیری

مقدمه

این فصل در چندین بخش ارائه می شود. در بخش اول مروری بر تحقیق، سپس بحث و نتیجه گیری و در بخش دیگر پیشنهادات ارائه می گردد. که پیشنهادات مشتمل بر چهار بخش: (پیشنهاد به والدین، و دانش آموزان، همچنین مسئولین آموزش و پرورش و پیشنهاداتی برای تحقیقات بعدی) می باشد. و در پی آنها نیز به محدودیتها، که به دو بخش محدودیتهای تحت اختیار پژوهشگر (قابل کنترل) و محدودیتهای خارج از کنترل پژوهشگر تقسیم شده اند، پرداخته می شود.

مروری بر تحقیق

موضوع تحقیق اعتباریابی پرسشنامه هوش هیجانی بار - آن در جمعیت دانش آموزی دوره پیش دانشگاهی ناحیه دو شهر یزد در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶ بوده است که با هدف هنجاریابی فرم کوتاه شده این آزمون که توسط سموعی (۱۳۸۲) در اصفهان ترجمه شده اجرا شد. این پرسشنامه اولین بار توسط ریوون بار - آن در سال ۱۹۸۸ ساخته شده که ۱۱۷ سوالی و در پانزده مقیاس و پاسخها در مقیاس لیکرت و بصورت چهارگزینه ای بوده است که در ایران توسط سموعی (۱۳۸۲) ترجمه و هنجاریابی گردیده و روایی صوری برای آن کسب شده و پایایی آن نیز به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۳ گزارش گردیده است. این تحقیق به منظور هنجاریابی فرم نود سوالی در جمعیت ۵۰۰ نفری از جامعه ۲۰۵۸ نفری اجرا و مورد بررسی قرار گرفت که نتایج زیر به دست آمد. ماتریس همبستگی عبارات و نمره کل نشان داد همبستگی پاسخها، با هم نسبتاً پایین بوده و از این میان عبارتهای ۱ و ۳ و ۱۳ و ۵۹ و ۶۵ و ۸۸ دارای ضعیف ترین همبستگی

درونی بوده است. در بررسی پایایی کل آزمون $0/85$ بدست آمده که ضریب بالایی می باشد. در این مرحله عبارتهای ۱ و ۳ و ۶۵ و ۲۱ و ۵۴ و ۵۸ دارای همسانی درونی کمتری با سایر سؤالات بوده و از ادامه تحلیل حذف شدند. بر اساس نتایج به دست آمده از تحلیل پایایی درونی خرده مقیاسها، ضرایب به دست آمده بین مقادیر $0/37$ تا $0/64$ متغیر می باشد. درمقایسه با نتایج تحلیل سموعی (۱۳۸۲)، برخی عبارات از مقیاسهای حل مسأله، استقلال، خودشکوفایی، خودآگاهی هیجانی، خوشبینی، مسئولیت پذیری اجتماعی و همدلی حذف شده است. پس از این، همبستگی همه خرده مقیاسها با نمره کل پرسشنامه دارای ضریب معناداری بوده است. در مرحله پایایی اعتباریابی آزمون، پس از حذف سؤالات شماره های ۱، ۳، ۱۳، ۵۹، ۶۵، ۸۸، ۲۱، ۵۴ و ۵۸ که از مراحل قبلی حذف شده است، جهت بررسی روایی سازه از تحلیل مؤلفه های اصلی و چرخش واریماکس استفاده شد که به دلیل همبستگی درونی ضعیف عبارتها و عدم همگرایی بین آنها جهت قرارگرفتن در عوامل مختلف، حتی پس از چرخش، برنامه SPSS از بارگذاری عبارتها تحت عوامل مختلف ناکام ماند که دلایل روشن شناختی مختلفی برای آن می باشد و در بررسی فرضیه ها مشخص شد که بین هوش هیجانی دختران و پسران و رشته تحصیلی تفاوتی وجود ندارد.

بحث و نتیجه گیری

در مقایسه نتایج تحلیل این پژوهش با مطالعات قبلی در حالیکه پژوهشگران قبلی در جوامع متفاوت عباراتی را در قالب ۱۵ عامل هوش هیجانی معرفی کرده اند، در پژوهش حاضر، برخی

عبارتها از بعضی عوامل حذف شده است و در بقیه موارد بین نتایج این پژوهش با مطالعات

منصوری (۱۳۸۰)، دهشیری (۱۳۸۱) و سموعی (۱۳۸۲) تشابه وجود دارد.

سؤالات حذف شده	نوشیروانی (۱۳۸۶)	سموعی (۱۳۸۲)	سوابق مطالعات عوامل پرسشنامه
۱	۱۶ و ۳۱ و ۴۶ و ۷۶	۱۶ و ۳۱ و ۴۶ و ۷۶	حل مسأله
—	۲ و ۱۷ و ۳۲ و ۴۷ و ۷۷	۲ و ۱۷ و ۳۲ و ۴۷ و ۷۷	شادمانی
۳	۱۸ و ۳۳ و ۴۸ و ۶۳ و ۷۸	۳ و ۱۸ و ۳۳ و ۴۸ و ۶۳ و ۷۸	استقلال
—	۴ و ۱۹ و ۳۴ و ۴۹ و ۶۴ و ۷۹	۴ و ۱۹ و ۳۴ و ۴۹ و ۶۴ و ۷۹	تحمل فشار روانی
۶۵	۵ و ۲۰ و ۳۵ و ۵۰ و ۸۰	۵ و ۲۰ و ۳۵ و ۵۰ و ۸۰	خودشکوفایی
۲۱	۶ و ۲۱ و ۳۶ و ۵۱ و ۶۶ و ۸۱	۶ و ۲۱ و ۳۶ و ۵۱ و ۶۶ و ۸۱	خودآگاهی هیجانی
—	۷ و ۲۲ و ۳۷ و ۵۲ و ۶۷ و ۸۲	۷ و ۲۲ و ۳۷ و ۵۲ و ۶۷ و ۸۲	واقع گرایی
—	۸ و ۲۳ و ۳۸ و ۵۳ و ۶۸ و ۸۳	۸ و ۲۳ و ۳۸ و ۵۳ و ۶۸ و ۸۳	روابط بین فردی
۵۴	۹ و ۲۴ و ۳۹ و ۵۴ و ۶۹ و ۸۴	۹ و ۲۴ و ۳۹ و ۵۴ و ۶۹ و ۸۴	خوش بینی
—	۱۰ و ۲۵ و ۴۰ و ۵۵ و ۷۰ و ۸۵	۱۰ و ۲۵ و ۴۰ و ۵۵ و ۷۰ و ۸۵	عزت نفس
—	۱۱ و ۲۶ و ۴۱ و ۵۶ و ۷۱ و ۸۶	۱۱ و ۲۶ و ۴۱ و ۵۶ و ۷۱ و ۸۶	کنترل تکانش
—	۱۲ و ۲۷ و ۴۲ و ۵۷ و ۷۲ و ۸۷	۱۲ و ۲۷ و ۴۲ و ۵۷ و ۷۲ و ۸۷	انعطاف پذیری
۵۸ و ۸۸	۱۳ و ۲۸ و ۴۳ و ۵۸ و ۷۳ و ۸۸	۱۳ و ۲۸ و ۴۳ و ۵۸ و ۷۳ و ۸۸	مسئولیت پذیری اجتماعی
—	۱۴ و ۲۹ و ۴۴ و ۵۹ و ۷۴ و ۸۹	۱۴ و ۲۹ و ۴۴ و ۵۹ و ۷۴ و ۸۹	همدلی
—	۱۵ و ۳۰ و ۴۵ و ۶۰ و ۷۵ و ۹۰	۱۵ و ۳۰ و ۴۵ و ۶۰ و ۷۵ و ۹۰	خودابرازی

پیشنهادهای

پیشنهاد به والدین

۱- توجه و شناخت احساسات فرزندان.

۲- آموزش روش صحیح ابزار هیجانات و احساسات به فرزندان.

۳- پرورش و افزایش هوش هیجانی فرزندان از زمان طفولیت.

پیشنهاد به دانش آموزان

- ۱- یاد گیری مهارت های اجتماعی و ابراز احساس همدلی با دیگران.
 - ۲- مراجعه به مشاور در صورت نیاز داشتن به بیان هیجانات و احساسات خود و همچنین افزایش سازگاری و حل مسائل و مشکلات.
 - ۳- کامل و صحیح پاسخ دادن به پرسشنامه و همکاری با پژوهشگر.
- پیشنهاد به معلمین

- ۱- توجه به هیجانات دانش آموزان و کمک کردن به آنها در شناخت عواطف و احساساتشان.
 - ۲- کمک به دانش آموزانی که در سطح پایین تری از هوش هیجانی قرار دارند زیرا که این هوش در پیشرفت تحصیلی آنها تأثیر زیاد می گذارد.
 - ۳- آموزش و پرورش و افزایش هوش هیجانی در دانش آموزان.
- پیشنهاد به مسئولین آموزش و پرورش

- ۱- تفهیم ماهیت و مفهوم هوش هیجانی و تفکیک آن از مفهوم هوش بهر در معلمان و دانش آموزان توسط متخصصان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش. از این جهت که بسیاری افراد بین این دو گزینه تفاوتی قایل نیستند و آن دو را مترادف می شمارند.
- ۲- برگزاری دوره های مختلف آموزش ضمن خدمت و کارگاه های آموزشی، برای کلیه معلمان مدارس ابتدایی، راهنمایی و متوسطه در زمینه مهارت های زندگی و از جمله هوش هیجانی.

۳- تهیه منابعی بصورت مکتوب، همراه با دستورالعملهای قابل اجرا و کاربردی در زمینه آموزش مولفه های مربوط به هوش هیجانی با بهره گیری از تجربه های کارشناسان آموزش و پرورش و دانشگاهها.

۴- همکاری صمیمانه با دانشجویان برای انجام تحقیق.

۵- استفاده از تحقیقات انجام شده ی دانشجویان برای بهبود وضعیت آموزش و پرورش شهر یزد.

پیشنهادهای برای تحقیقات آینده

۱- با توجه به عدم وجود آزمون های هوش هیجانی نرم شده، برای ایران و استفاده گسترده از آزمونهای نرم نشده در سطح کشور نرم یابی آزمونها در استانهای مختلف ضروری است.

۲- بهتر است آزمون هوش هیجانی بار- آن در سطح کشور مورد نرم یابی قرار گیرد و یک نرم کشوری برای آن تهیه گردد.

۳- بهتر است در مطالعات بعدی اعتبار و روایی این آزمون با اجرای آن بر روی گروههای نمونه ای از افراد شاغل بالاتر از لیسانس (اساتید، مدیران کارخانجات، پزشکان) بررسی شود.

۴- پژوهش و بررسی در زمینه روشهای افزایش هوش هیجانی معلمان انجام گیرد.

۵- تحقیقات آزمایشی تأثیر آموزش هوش هیجانی در معلمان و افزایش آن در دانش آموزان مورد بررسی قرار گیرد.

۶- در تحقیقات آینده رابطه طبقات اجتماعی- اقتصادی، شغل و تحصیلات والدین و تأثیر آن بر هوش هیجانی فرزندان بررسی شود.

محدودیت‌های تحت کنترل پژوهشگر

۱- توزیع متفاوت دانش آموزان در رشته های مختلف و جنسیت متفاوت می تواند بر نتایج

تحقیق تأثیر بگذارد لذا تعداد نمونه با همان نسبت متفاوت انتخاب گردید

۲- گروه هدف پرسشنامه هوش هیجانی، افراد از سن ۱۸ سال تا سنین بالاتر، مشروط بر این که

از حد متعارفی از تحصیلات حداقل دیپلم برخوردار باشند بود. بنابراین دوره پیش دانشگاهی

انتخاب گردید.

۳- برای اینکه شرایط برای همه یکسان باشد، سعی تمام شده که توضیحات برای تمام

آموزشگاهها یکسان ارائه شود.

محدودیت‌های خارج از کنترل پژوهشگر

۱- با تمام تلاشی که به منظور انتخاب تصادفی نمونه صورت گرفت عدم همکاری برخی از

دبیرستانها اشکالاتی را بوجود آورد.

۲- به علت زیاد بودن تعداد سوالات پرسشنامه هوش هیجانی بار- آن و محدودیت زمانی دانش

آموزان امکان کاهش دقت پاسخگویی به سؤالات وجود داشت.

۳- این پژوهش، فقط در مورد دانش آموزان پیش دانشگاهی انجام شده است و تعمیم آن به

جامعه های دیگر باید با احتیاط باشد..

۴- نمره گذاری این پرسشنامه، با توجه به حجم بالای نمونه و تعداد زیاد سوالات به دقت

زیادی احتیاج داشت. که تماماً توسط پژوهشگر انجام شده است و کار بسیار سخت و وقت

گیری بود.

۵- تفاوت در طبقه اجتماعی - اقتصادی، وضعیت خانوادگی و محیط آن نحوه تربیت، شغل و تحصیلات والدین که در میزان هوش هیجانی آزمودنی تأثیر داشته، از کنترل پژوهشگر خارج بوده است.

Filename: Document1
Directory:
Template: C:\Documents and Settings\hadi tahaghoghi\Application
Data\Microsoft\Templates\Normal.dotm
Title:
Subject:
Author: sadegh
Keywords:
Comments:
Creation Date: 4/12/2012 12:50:00 AM
Change Number: 1
Last Saved On:
Last Saved By: hadi tahaghoghi
Total Editing Time: 0 Minutes
Last Printed On: 4/12/2012 12:50:00 AM
As of Last Complete Printing
Number of Pages: 63
Number of Words: 11,170 (approx.)
Number of Characters: 63,672 (approx.)